



لیست داوران این شماره (به ترتیب الفبا):

دکتر محمد رضا بمانیان : استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر حیدر جهان بخش : استادیار دانشگاه پیام نور
دکتر خلیل حاجی پور : استادیار دانشگاه شیراز
دکتر سید باقر حسینی : دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محمد علی خان محمدی : استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر رضا خیرالدین : استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر حسین سلطانزاده : دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دکتر محمد منان رئیسی : استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر احسان رنجبر : استادیار دانشگاه تربیت مدرس
دکتر علی محمد رنجبر کرمانی : استادیار دانشگاه قم
دکتر مریم روستا : مدرس دانشگاه شیراز
دکتر زهرا رهبر نیا : دانشیار دانشگاه الزهرا (س)
دکتر علی عمرانی پور : استادیار دانشگاه کاشان
دکتر میترا غفوریان : استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر مهرداد قیومی بیدهندی : استادیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر محمدصادق طاهر طلوع : استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
دکتر مهدی محمد زاده : استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز
دکتر ابوالفضل مشکینی : استادیار دانشگاه تربیت مدرس
دکتر صلاح الدین مولانایی : استادیار دانشگاه کردستان
دکتر مسعود ناری قمی : مدرس دانشگاه هنر اسلامی تبریز
دکتر بهزاد وثیق : استادیار دانشگاه صنعتی جندی شاپور
دکتر سید مجید هاشمی : استادیار دانشگاه ولی عصر رفسنجان
دکتر سید عباس یزدانفر : استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۳/۱۸/۱۳۷۲۰۶ مورخ ۹۳/۷/۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه‌های (SID) و (ISC) نمایه می شود و برنام‌هایی در دست است که مجله در پایگاه (ISI) نیز نمایه شود.

مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سر دبیر: مهندس عبدالحمید نقره کار

مدیر داخلی: دکتر محمد منان رئیسی

ویراستار ادبی فارسی: سارامتولی / محمدتقی تسکین دوست

ویراستار ادبی انگلیسی: مجتبی حکیم اللهی

کارشناس مجله: مریم امیری

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی : دانشیار دانشگاه تهران
دکتر حسن بلخاری : دانشیار دانشگاه تهران
دکتر مصطفی بهزادفر : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محمد رضا پور جعفر : استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر مهدی حمزه نژاد : استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر اسماعیل شیعه : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر منوچهر طیبیبیان : استاد دانشگاه تهران
دکتر محسن فیضی : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر حمید ماجدی : دانشیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
دکتر اصغر محمد مرادی : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر غلامحسین معاریان : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر فاطمه مهدیزاده : دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محمد نقی زاده : استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
دکتر علی یاران : دانشیار وزارت علوم تحقیقات ، فناوری

طراح جلد و صفحه آرا: مصطفی جهان بخش / ۹۱۹۴۸۵۱۵۲۲/

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۳	تحقق مفهوم قرآنی «قسط» در فضای شهری محمود قلعه‌نویی / مهدی مطیع / محمد مسعود / الهام قاسمی
۲۸	ارزیابی هندسی فضایی مساجد معاصر تهران با استفاده از تحلیل مضمونی متون دینی محمد منان رئیسی / عبدالحمید نقره‌کار
۴۵	پاسخگویی به مراتب نیازهای روانشناختی انسان در فضاهای آموزشی با بهره‌گیری از آموزه‌های مدارس سنتی سید عباس یزدانفر / محمد علی خان محمدی / محمد درویش
۵۸	اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر مهدی حمزه نژاد / زهرا صدریان
۷۷	بازشناسی اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فطری سازمان‌بندی شهر اسلامی با رویکرد اجتماعی کالبدی حیدر جهان‌بخش / علی دل‌زنده
۹۸	مطالعه تطبیقی رویکرد مبتنی بر بینش اسلامی با رویکرد معاصر در مواجهه با محیط زیست زهرا زمانی / مریم آزموده / حجت قاعدی
۱۱۴	رابطه اخلاق و فناوری در معماری برای جامعه اسلامی احد نژاد ابراهیمی / امیرحسین فرشچیان



• بازشناسی اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فطری سازمان‌بندی شهر اسلامی • با رویکرد اجتماعی کالبدی



• حیدر جهان‌بخش*

استادیار گروه معماری دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

• علی دل‌زنده**

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی آ.ب.آ، آبیک، قزوین، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۶/۰۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۰۹/۰۹

• چکیده:

شهر محدوده‌ای مشخص از فعالیت‌های پاسخگو به نیازهای انسانی است که متناسب با ویژگی‌ها، تفکرات و رویکردهای او سازمان یافته و در جهت کمال و سعادت وی تحقق می‌یابد. شکل‌گیری شهر وابسته به جهان‌بینی و بینش انسان و میزان مطلوبیت و کیفیت آن به فضای عقلانی و اعتقادی تفکرات او باز می‌گردد. دین اسلام به عنوان یک بینش برخاسته از جهان‌بینی توحیدی، اصولی را برای زندگی و مشی انسان‌ها در زمین تعریف کرده که هم برگرفته از صفات مطلق الهی است و هم از خاستگاهی فطری، عقلانی و به تبع آن اعتقادی برخوردار می‌باشد. بینشی که کمال و استعلائی انسان را مورد هدف دارد و وی را به سوی صفات الهی رهنمون می‌سازد و نیز با ویژگی مشترک تمامی انسان‌ها در ادیان مختلف، در ارتباط است. بر پایه این بینش الهی در سازمان‌بندی شهر نیز، اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی فطری ارائه می‌نماید تا شهری پویا، آرمانی، عقلانی، فعال، کمال یافته و ربانی پدیدار گردد. ضرورت این تحقیق بر دست‌یابی به اصول و شاخص‌های سازمان شهر از نظر اسلام است که هدف آن پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های فطری انسان برای رسیدن به کمال و سعادت، در تمام ساحت‌های وجودی می‌باشد. تحقیق حاضر بر بازشناسی و دسته‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی متناسب با گرایش‌های فطری مشترک انسانی با رفتار عقلایی، به عنوان ضرورت رسیدن به زندگی ربانی و اصول مؤثر بر ساختار کالبدی اجتماعی شهر، توجه و تأکید دارد. روش این تحقیق از یک سو توصیفی-تحلیلی است که با تحلیل محتوایی و کالبدی پیش رفته و از ماهیت راهبرد تفسیری برخوردار است. از سوی دیگر با روش استدلال منطقی-تحلیلی به توصیف و ارائه مصادیقی از شهر اسلامی و شاخص‌های سازمان‌بندی شهر ربانی می‌پردازد. بر پایه یافته‌های تحقیق، اصول شهر اسلامی بر مبنای ویژگی‌های فطری انسان و تحلیل هست‌ها و پدیده‌های کالبدی اجتماعی شهر و دسته‌بندی آن‌ها در پنج گرایش فطری تشریح شده است. این گرایش‌ها بنابر نظر شهید مطهری شامل حقیقت‌جویی و رسیدن به کمال، خیر و فضیلت، جمال و زیبایی، خلاقیت و ابداع و گرایش به عشق و پرستش می‌باشند که مبنای نتیجه‌گیری تحقیق در بازشناسی اصول قرار گرفته‌اند و با آیات و روایات نیز بررسی تطبیقی شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: بازشناسی فطری، شهر ربانی، شاخص‌های اجتماعی، مؤلفه‌های کالبدی، سازمان‌بندی شهر اسلامی

مقدمه، ضرورت‌ها و تبیین مسأله

در هنر اسلامی، محوریت شهر به پدیدآورنده آن یعنی انسان و ساکنان تعریف شده است. انسان مسلمان دارای جهان‌بینی توحیدی و نیازهای روحانی، معنوی و نفسانی است که هم در شکل شهر تأثیرگذار است و هم از نظر ساختاری درصدد پاسخ به نیازهای او بر می‌آید. در جوامع اسلامی این اعتقاد وجود دارد که انسان دارای یک صورت زمینی و آشکار و مادی و یک سیرت الهی و آسمانی و فطری می‌باشد که این دو بر یکدیگر منطبق بوده و غیر قابل تفکیک می‌باشند (مسائلی ۱۳۸۸، ۲۸). به همین ترتیب، شهر اسلامی نیز دارای یک صورت ظاهری و یک صورت باطنی است که نظام فیزیکی و کالبدی شهر ظاهر مرئی آن را می‌سازد و باطن شهر نیز از ماهیتی اجتماعی برخوردار می‌باشد.

بهبود و ارتقاء شهر اسلامی بدون تداوم سیر تاریخی و اصیل اولیه و توجه به جنبه‌های انسانی ساخت شهر، یعنی فلسفه ساخت باطن و سیرت یا روح و جان مقدور نیست. شهری که کالبد آن بر اساس مبانی فکری اسلام، اصول زندگی اسلامی و الگوی رفتاری شریعت محمدی شکل بگیرد و رفتار انسانی و عقلانی نیز در جای جای فضاهای آن جریان داشته باشد؛ شهری زنده و آرمانی است. بر همین مبنا باید باور داشت که معماری و شهرسازی را می‌توان بر اساس آیات و احادیث مورد مطالعه قرار داد. تحلیل و نقد نمود و زیبایی و زشتی آن را بیان کرد و به بازسازی، بهسازی و باززنده‌سازی آن پرداخت.

معماری جسم‌خانه و شهر است و به عنوان رسیدن به زندگی عقلانی مطرح می‌باشد. باید دانست که هدف اصلی و آنچه ویژگی‌های کیفی و کمی صورت و کالبد معماری و شهر را نیز برای ما تعریف می‌کند؛ همان عقل است. «عقل و یا علم حقیقت‌محور» اندازه‌ها، کاربری‌ها و ارتباطات مابین اجزای کالبدی را تعریف و تدبیر و یا حتی بقای آن را نیز تضمین می‌کند (علی‌آبادی ۱۳۹۱، ۳۴).

ایدئولوژی اسلام که بر محوریت توحید و عدل و معاد شکل گرفته است؛ یک ایدئولوژی انسانی است که مخاطب آن

به طور عمومی چنین بیان می‌شود که شهر محدوده جغرافیایی کمال یافته و تعریف شده‌ای است که جمعی از انسان‌ها مطابق قوانین و مقررات -متکی و برخاسته از عقلانیت- که همگان ملزم به رعایت و البته اجرای عادلانه آن‌ها اطمینان دارند؛ در آن زندگی می‌کنند و می‌توانند پاسخ همه نیازهای خویش را در محدوده آن بیابند. هرکدام از تعابیر محدوده جغرافیایی، قوانین و مقررات زندگی، بر اساس آراء و عقاید و مبانی فکری و عقلانیت حاکم بر جامعه تعریف می‌گردد (نقی‌زاده ۱۳۹۲، ب، ۶۱)؛ که عمدتاً متأثر و منبعث از عوامل متعددی است و یکی از بنیادی‌ترین آنها جهان‌بینی و تفکر انسان‌هایی است که آنرا برای زیستن خویش می‌سازند. شهرها و محیط زندگی مسلمین نیز از این قاعده مستثنی نیستند و در فرایند شکل‌گیری آن‌ها تفکر و جهان‌بینی توحیدی اسلام و اصولی که اسلام برای زندگی مسلمین و مشی آنان در زمین تعریف کرده تأثیر بنیادینی داشته است (نقی‌زاده ۱۳۸۹، ب، ۶۶).

اما ناهنجاری‌های اجتماعی، آسیب‌های فردی روانی و آلودگی محیط زیست علاوه بر عرصه مادی، عرصه معنوی زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و به نظر می‌رسد شهر امروزی به دور از شایستگی زیست‌انسان جلوه‌گر می‌نماید. سازمان فضایی شهرها و سرزمین‌ها بر پایه سود و بهره‌وری شکل می‌گیرد و آنچه امروزه با عنوان تک‌ساختی شدن انسان و ناهماهنگی در ساختار شهر اسلامی یاد می‌شود؛ در پی گسست فرهنگی و تزریق مؤلفه‌های غیر بومی به پیکره فرهنگی جوامع در دهه‌های اخیر به وجود آمده است (دانش ۱۳۸۹، ۱۵). با این حال، هر شهری که بقای سازمان وجودی آن به جای شکل گرفتن و استوار ماندن بر اساس عقل و دانایی، بر هوا و هوس و جهالت استوار باشد شهر نبوده و صحنه نمایش ناهنجاری، فساد، بیماری و تباهی می‌باشد (علی‌آبادی ۱۳۹۱، ۳۶). شهر مردم جاهل که از اندیشه خود استفاده نمی‌کنند؛ شهر مردگان و به عبارتی شهر جمادات، نباتات و یا حیوانات است؛ اما شهری که اندیشه‌ای کمال یافته بر زندگی ساکنان آن حاکم و جاری است؛ شهر انسان‌ها یعنی شهر زندگی و زندگانی است (همان، ۳۲).

شهر ربانی، ارکان شهر اسلامی، رابطه ساخت‌ها و نیازهای انسان با شهر ربانی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اجتماعی و کالبدی متأثر از آن، به طور کلی مورد بررسی و دقت قرار گیرد. بر این اساس روشن می‌شود که دقیقاً منظور از شهر اسلامی چیست؟ اوصاف و مؤلفه‌های شهر از نظر اسلام کدامند و بر اساس چه اصولی بنیان می‌شوند؟ گرایش‌های فطری انسان کدام مؤلفه و شاخص را به عنوان این اصول بر می‌گزیند و بالاخره شهر ربانی از چه شاخص‌ها و مؤلفه‌های برخوردار است؟

مفهوم شهر ربانی و رابطه آن با انسان در تحقق سازمان‌بندی فضای شهری

شهر در بررسی برآیند جامع تعابیر و اصطلاحات رایج در اسلام، عبارت است از مجموعه‌ای که از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی، فضاها و محیط انسان ساخت پدید می‌آید و جمعیت ساکنی در آن متمرکز شده باشند. در این مجموعه جمعیت به قالب منظمی در آمده و زندگی خود را بر اساس آداب و رسوم تعریف شده از سوی عوامل انسانی یا الهی سامان داده است. بر اساس نوع نگاه متخصصان شهرسازی قالب تعاریف شهر در چهار حوزه ۱- عددی، ۲- تاریخی، ۳- حقوقی و ۴- متون دینی قرار می‌گیرد (قربانی ۱۳۹۲، ۱۶). در متون دینی، قرآن معجزه جاوید پیامبر گرامی اسلام، تعابیر متعددی را در تعریف شهر به کار برده است که هر کدام معنا و تعاریف متفاوتی را شامل می‌گردد: «مدینه، مدین، مدائن، قریه، ام‌القری، دیار، دار، رستاق، مصر، قصبه، کوره، بابل، مؤتفکات، ارم، حرد، رقیم، بعل، حجر، حنین، ایکه، بکه، مکه، یثرب، مسجدالاقصی» (نوحی ۱۳۸۸، ۱۴۰). متناسب با آن می‌توان شهر اسلامی را مجتمع زیستی با اجتماعی از انسان‌ها (کم یا زیاد) که بر اساس عدالت، آگاهی، تعادل، معرفت، امنیت، رفاه، فراوانی، پویایی، استحکام، زیبایی و روابط اجتماعی منشعب از مبانی قرآنی زندگی کرده و منافع همه جانبه مردم در نظر گرفته شده باشد دانست (صارمی و صارمی ۱۳۹۰، ۱۰۱).

هر یک از ویژگی‌های مطرح شده در آیات قرآن، به عنوان اوصاف مطلوب شهری است که برای خداوند مطلوبیت داشته و برای تحقق آن در طول تاریخ بشر زمینه‌های فراهم

انسان است و داعیه نجات نوع انسان را دارد و نه نجات و رهایی گروه یا طبقه معینی را (مطهری ۱۳۹۱، پ، ۵۶). بر پایه این بینش، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مطلوبی معرفی شده که برای شرح و درک اصول سازمان‌دهنده شهر آرمانی متناسب با گرایش فطری نوع انسان و بر دو ساخت فطری او یعنی بینش‌ها و گزینش‌ها یا دانسته‌ها و خواسته‌ها استوار گردیده و کاربرد می‌یابند. مطالعه منابع و اسناد نوشتاری بیانگر آن است که دین اسلام، مؤلفه‌ها و شاخص‌های موردنظر را بر اساس قرآن مجید، سیره پیامبر و روایات معصومین ارائه داده است. در این حوزه مصادیق برجامانده از شهر سنتی به عنوان تلاشی در جهت دستیابی به باید‌ها (هست‌ها) که تصویری از شهر مطلوب است نیز قابل بررسی، تأمل و برداشت می‌باشد که این مقاله به آن می‌پردازد.

روش تحقیق و چارچوب نظری

این مقاله از یک سو رویکردی توصیفی-تحلیلی دارد و در آن روش تحقیق تحلیل محتوای کالبدی بهره گرفته شده است. دریافت اطلاعات نیز اغلب از روش‌های مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی صورت پذیرفته است و از ماهیت راهبرد تفسیری-تاریخی در بررسی و شناسایی عوامل و مؤلفه‌های شکل‌دهنده به شهر اسلامی برخوردار است. در مراحل انجام این تحقیق از روش استدلال منطقی-تحلیلی از گزاره‌های مفهومی و نظری بر پایه منابع چهارگانه (کلام الهی، کلام معصومین، اجماع خبرگان و عقل) به توصیف و تفسیر و ارائه مصادیقی از شهر اسلامی و شاخص‌های سازمان‌بندی شهر ربانی پرداخته شده است. ضرورت تحقیق در دست‌یابی و شناسایی اصول مورد نظر دین اسلام از شهر است که هدف آن پاسخ‌گویی به تمام نیازها و خواسته‌های انسان در جهت رسیدن به کمالات و سعادت در تمام ساخت‌های وجودی او می‌باشد. اهمیت تحقیق حاضر بر نگرش و دسته‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی متناسب با گرایش‌های فطری مشترک انسان و رفتار انسانی و عقلایی به عنوان مقدمات رسیدن به زندگی عقلانی مورد تأکید می‌باشد.

برای روشن شدن اصطلاحات و اصول به کار رفته در حوزه شهرسازی اسلامی لازم است مفاهیمی نظیر شهر اسلامی،

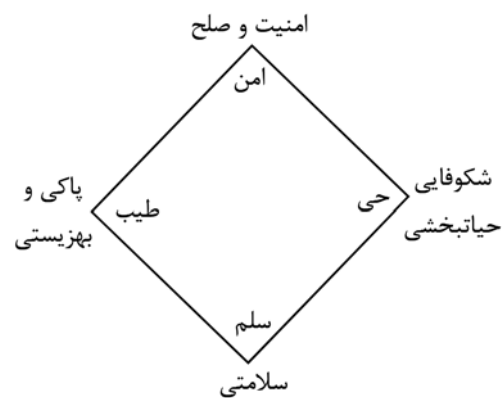
از مدیر شهر همه کسانی هستند که به نحوی در پدید آمدن ساخت و تحولات، اداره، برنامه‌ریزی، تنظیم روابط و نظارت بر زندگی در شهر دخالت دارند. پس از انسان، قوانین و آداب و شیوه‌ها و رفتار و اخلاق اهل شهر قرار دارند که رابطه اهل شهر و همه اجزای آن را با یکدیگر، با طبیعت، با ساخته‌های انسان و با هستی در قلمروهای مختلف معنوی و مادی حیات تنظیم می‌کنند. بالاخره کالبد شهر قرار دارد که متأثر از دو عامل یادشده به اضافه شرایط خاص محیطی، اقتصادی، فنی، علمی و هنری است (نقی‌زاده ۱۳۹۲ الف، ۸).

برای ظهور شهر اسلامی، همانند هر شهری، انطباق و همپوشانی سه فضا، یعنی فضای فکری، فضای عملی و فضای عینی یا فضای کالبدی، به عنوان ارکان آن ضرورت دارد که اصلی‌ترین عنصرش انسان (یا مؤمن) است. البته مهم‌ترین مقوله مربوط به انسان نیز وجه فکری یا به عبارتی ایمانی اوست. به این ترتیب است که می‌توان ایمان اهل یک شهر را مهم‌ترین عامل و عنصر شکل‌دهنده و تعریف‌کننده شهر اسلامی نامید (نقی‌زاده ۱۳۸۹ الف، ۷).

بنابراین انسان -که متشکل از سه ساحت وجودی روح، نفس و جسم می‌باشد- عنصر اصلی و دخیل برای ظهور هر شهری است که به صورت طراح، سازنده، بهره‌بردار، مدیر و اهل آن ظاهر می‌شود. او بر اساس ایدئولوژی فکری مورد توجه‌اش و متأثر از نگرش و جهان‌بینی اسلامی و در وجه ایمانی، اثرگذار و تعریف‌کننده ساحت‌های حیاتی خویش می‌باشد؛ تعلق در هر یک از ساحت‌ها در موضوعات مربوط به آن شهر را، از جامعیت دور خواهد کرد و توان و قابلیتش را در پاسخ‌گویی جامع به نیازهای انسان تقلیل خواهد داد (نقی‌زاده ۱۳۹۱، ۳۰).

با عنایت به آنچه بیان شد، اصلی‌ترین خاستگاه و تبیین‌کننده ویژگی‌های آثار انسانی باورهای او، اعتقادات و ساحت‌های وجودی انسان‌ها و به عبارت بهتر جهان‌بینی آن‌هاست و اساساً شهر نیز از آن مستثنی نیست. این قاعده از آن جهت بر شکل‌گیری شهر اثر دارد که انسان آثار و فضاها و محیط و مکان زندگی خویش را در جهت رسیدن به زمینه زندگی مطلوب می‌سازد و اصلی‌ترین ویژگی‌ها و مبانی زندگی

نموده است. اسلامی بودن آن‌ها در اینجا نه به معنای تحقق در دوره اسلامی بلکه به معنای مطلوبیت والا در نزد خداوند است که برای تعالی و تکامل انسان ضروری می‌باشد. به طور کلی همه ویژگی‌هایی که به توصیف شهر مطلوب و آرمانی می‌پردازد از چهار ریشه حی، امن، سلم و طیب می‌باشند (نمودار ۱) که به معنای زندگی، امنیت، سلامت و پاکی در عرصه‌های مادی و معنوی‌اند (نوحی ۱۳۸۸، ۱۳۶).



نمودار ۱. چهارضلعی یگانگی مفاهیم مادی و معنوی در شهر ربانی (مأخذ: نوحی ۱۳۸۸، ۱۳۷)

بنابر آیات قرآنی آنچه موجب نابودی شهرها شده؛ ظلم و جور، اسراف‌کاری، برتری‌جویی، فساد طبقاتی قدرتمندان و ثروت اندوزان می‌باشد. از این منظر کلمه ظلم بیش از هر کلمه دیگر در قرآن مجید تکرار شده است. مطابق این رویکرد می‌توان گفت شهر اسلامی شهری است که جهت توسعه و رشد آن به سوی تأمین و تقویت خصلت‌های پاک و زندگی‌ساز (کلمه طیبه)، نفی و تضعیف خصلت‌های تباهی‌زا و مرگ‌آور (کلمه خبیثه) است (همان، ۲۷۳). بر این اساس شهر ربانی به جنبه‌های دیگری از زندگی معنوی برای دستیابی به جامعه‌ای که بستر رشد و کمالات وی را فراهم کند؛ نیازمند اندیشه‌هایی است که با شناخت ابعاد وجودی نیازهای واقعی انسان و بارور کردن آن‌ها به تجلی آن در پیدایش تمدن بشری بیانجامد.

اصلی‌ترین عامل پدیدآورنده شهر، انسان یا اهل شهر است که شهر زیستگاه او و مکان فعالیتش می‌باشد؛ که در دو گروه اصلی شهروند و مدیر شهر قابل طبقه‌بندی است. مقصود



همه این امور در این نقطه مشترک‌اند که خواسته حقیقی انسان کمال مطلق است؛ همان که هیچ نقص، عجز و ضعفی نمی‌پذیرد. به تعبیر دیگر، کمال جویی - آن هم کمال مطلق - محور گرایش فطری انسان است که در قالب و صورت‌های یادشده ظاهر می‌گردد (خسروپناه ۱۳۹۲، ۱۰۷). همچنین این گرایش‌ها در هریک از موارد به خاطر فطری بودن انسان‌ها در تمام طول عمرشان مشترک است ولی شکل آن بالفعل نیست بلکه قوه محض است و انسان‌ها می‌توانند برخلاف آن‌ها عمل کنند. انسان در هر لحظه به صورت اختیاری و با نیت و اراده خود، در یک مقام نفسانی فعلیت می‌یابد. آنجا که در نفس حیوانی حضور می‌یابد گرایش حیوانی دارد و آن‌جا که در نفس عقلانی و روحانی حاضر است گرایش‌های انسانی در فطرت او می‌جوشد (نقره‌کار ۱۳۸۷، ۱۰۷).

شهر نیز چون فطرت در ذات خود دارای دو بخش صورت عرض (ظاهر) و معنی (ذات، جوهر، باطن) است. این دو وجه همچون فطرت انسان بر یکدیگر منطبق بوده و ظاهر شهر بدون عنایت به باطن، بی‌معنی است و معنی تا شکل کالبدی نیابد؛ نمود و بروز عینی نخواهد داشت. نظام فیزیکی و کالبدی، ظاهر مرئی شهر است و باطن آن ماهیتی اجتماعی است. در عین حال نظام کالبدی در جهت دادن به فرهنگ و ماهیت اجتماعی شهر مؤثر می‌باشد و انسان متناسب با انتخاب مقام نفسانی خویش شهر خویش را می‌سازد. بنابراین شهر ربانی به منزله شهر پاک و مطهر، می‌بایست براساس احکام اسلامی و کتاب و سیره پیامبر که منطبق بر ویژگی‌های درونی و فطری انسان است قابل تحقق باشد.

در این مقاله، بازشناسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر ربانی اسلامی بر اساس رویکرد شهید مرتضی مطهری که در کتاب فطرت (مطهری ۱۳۸۷) بیان و معرفی شده، بنیان یافته‌است. اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که متناسب با پنج گرایش فطری انسان شامل گرایش به حقیقت‌جویی و رسیدن به کمال، خیر و فضیلت، جمال و زیبایی، خلاقیت و ابداع و عشق و پرستش، دسته‌بندی و ارائه می‌گردند. گرایش‌ها و به طبع آن مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارائه شده در

مطلوب انسان را نیز جهان‌بینی او تعریف، تعیین و تبیین می‌کند (نقی‌زاده ۱۳۹۲ ب، ۷۰).

باید توجه داشت که علیرغم طبقه‌بندی و تفکیک قراردادی در وجوه فکری و ایمانی که تحت تأثیر عوامل اثرگذار در شکل‌گیری جهان‌بینی، باورها و ساحت‌های انسان می‌باشد؛ تمامی این وجوه دارای وحدتی می‌باشند که ارتباط تنگاتنگ و ناگسستنی با یکدیگر دارند. براساس مفهوم ایدئولوژی اسلامی، این ایدئولوژی انسانی است و خاستگاه آن فطرت^۲ انسان می‌باشد (مطهری ۱۳۹۱ پ، ۵۷). انسان حقیقتی است که در مقام علم و عمل با فطرت زندگی می‌کند. فطرت معرفت و آگاهی و بینش فطری و گرایش عملی انسان است که تحمیلی نیست؛ بلکه فراگیر و همگانی است و نمی‌توان آن را زایل کرد (جوادی-آملی ۱۳۹۰ ب، ۲۶).

شهید مطهری فطریات انسان را به دو ساحت بینش‌ها و گرایش‌ها یا دانسته‌ها و خواسته‌ها تفکیک کرده‌اند. هر یک از این دو ساحت هم به دو سطح مادی و روحی جدا می‌شوند. نمونه مادی این بینش‌ها و گرایش‌ها همچون خواست غذا و یا ارضاء غرائز جنسی و... فراوانند. اما در ساحت گرایش‌های فطری روحی هریک براساس بینش‌های فطری روحی به سامان می‌شود (نقره‌کار ۱۳۸۷، ۱۰۷). در گرایش فطری-روحی فطرت انسان، غیر از بینش جمال، دید دیگری ندارد و غیر از گرایش به کمال، منش دیگری نخواهد داشت. گرایش‌های فطری به صوب کمال وجودی است و همه‌ی آن زیر مجموعه کمال‌خواهی مندرج‌اند (جوادی-آملی ۱۳۹۰ ب، ۶۰).

اگرچه در تعداد گرایش‌ها اتفاق نظر وجود ندارد؛ ولی شهید مطهری از پنج گرایش به عنوان امیال فطری-روحی یا گرایش-های مقدس نام می‌برد. این گرایش‌ها شامل ۱- گرایش به حقیقت‌جویی، ۲- گرایش به خیر و فضیلت، ۳- گرایش به جمال و زیبایی، ۴- گرایش به خلاقیت و ابداع، ۵- گرایش به عشق و پرستش می‌باشد (مطهری ۱۳۸۷، ۷۴). این گرایش‌ها اولاً با خود محوری (امیال غریزی) قابل توجیه نیست و ثانیاً شکل انتخابی و آگاهانه دارد و به هر حال اموری است که ملاک و معیار انسانیت شناخته می‌شود (همان، ۷۳).

علاوه بر فطرت معرفت، فطرت توحیدی و یکتاپرستی نیز وجود دارد فطرت توحیدی در ماهیت خویش همان فطرت معرفتی و عین آن است که انسان علاوه بر آنکه به ذات الهی آشنائی دارد، آن ذات و آن حقیقت مطلق را تنها در یک فرد یکتا و بی‌همتا به نام «الله» می‌بیند و به ذات خدا با وصف وحدانیت و تفرد و بی‌همتایی شهود دارد (شفیعی ۱۳۶۷، ۱۱۳). از نظر هنری توحید به معنی تهی از حقیقت شدن همه چیز جز خدا و بازگشت هر حقیقتی به خداست. اصلی که منبع الهام مسلمین در کلیه فعالیت‌هایشان از جمله هنرها، معماری و شهرسازی بوده و باید باشد.

معرفت فطری-درون‌گرایی: می‌توان گفت شهر اسلامی باید بتواند زمینه رشد تقوی الهی را در انسان‌ها فراهم نماید. درون‌گرایی مصداقی از تقوی و پروای درونی انسان از فجور و مقدمه‌ای از معرفت توحیدی و شناخت ذات الهی و آن حقیقت واحد است. شهر ربانی متوجه توحید و وحدت، لازمه حیات روحانی، معنوی و اسلامی‌اش و تنظیم‌کننده فعالیت‌های مادی‌اش تقوی می‌باشد. «ای اهل ایمان! از خدا آن گونه که شایسته پروای از اوست پروا کنید، و نمیرید مگر در حالی که در برابر او و فرمان‌ها و احکامش تسلیم باشید (آل عمران: ۱۰۲)».

مفهوم درون‌گرایی در آموزه‌های اسلامی در موارد متعددی قابل مشاهده است. از جمله اینکه تجسس در احوال دیگران را گناه شمرده و انسان‌ها را از انجام چنین عملی نهی نموده است. درونگرایی مصداقی از رفتار انسان با تقوی می‌باشد و رعایت حدود و حرمت و حریم اشخاص امری مهم در آداب اجتماعی و سنن دینی به شمار می‌آید. به همین منظور شهر نیز با راهکارهایی، ایجاد زمینه مساعد برای خلوت و تفکر و سیر درونی انسان‌ها را فراهم ساخته است (میثاقیان ۱۳۹۲، ۱۹). ایجاد حیاط مرکزی در بناها، اتکاء بناها به فضای درونی جهت تأمین نور و دید، استفاده از دیوارهای ساده و ممتد و عدم ایجاد بازشو در جداره‌های رو به عرصه عمومی، پیشگیری از اشراف دیداری و شنیداری و استفاده از قابلیت‌های طبیعی از جمله روش‌های مورد استفاده برای ایجاد درون‌گرایی است.

جهت تأمین خواسته‌های فطری انسان است تا او را در جهت کمال و سعادت رهنمون سازند. این همان پاسخ مناسب و عقلانی در جهت رسیدن به شهری است که می‌تواند تمامی نیازهای انسانی را به تمام و کمال پاسخ گوید و صورت عالی و آرمانی از شهر و مدینه فاضله مورد نظر را که همان شهر ربانی است تبیین نماید. در ادامه شاخص‌های یادشده در پنج گفتار به صورت مجزا و با بیان مصداق و سیرت برجا مانده از شهرهای سنتی، مورد بازشناسایی قرار گرفته و بر اساس آیات و روایات تشریح می‌شوند.

۱. گرایش به حقیقت‌جویی و رسیدن به کمال

حقیقت‌جویی را می‌توان مقوله «دانایی» یا «دریافت واقعیت جهان» نیز دانست. گرایشی در انسان که به کشف واقعیت‌ها آنچنان که هست؛ درک حقایق اشیاء، درک جهان هستی می‌پردازد و همان کمال یا حکمت نظری انسان است (مطهری ۱۳۸۷، ۷۴). مسئله اصلی، گرایش به حقیقت و هدف آن رسیدن به کمال است؛ که با تفکر و توجه به مبدا و مقصد انسان آغاز می‌شود تا ذهنیت انسان را به هویت درونی و باز شدن چشم به جهان درونی و کمال الهی پیوند دهد. در آیات ۷ تا ۱۰ سوره شمس^۳ با صراحت به آگاهی انسان به «فجور» و «تقوی» اشاره شده است. این آگاهی از راه الهام صورت پذیرفته و الهام در اینجا به معنی معرفت و شهود و شناخت حضوری که ریشه در سرشت انسان دارد به کار رفته که همان عرفان و آگاهی فطری دانسته شده است (فیض کاشانی، ذیل «آیه یادشده»).

در این آیات قرار گرفتن عبارات «زُكَاہَا» و «دَسَاہَا» بعد از کلمات «فجور» و «تقوی»، بیانگر پرورش سرشت فطری انسان، از طریق «تقوی» و سرکوب و عدم رشد آن از طریق «فجور» می‌باشد. خداوند فجور و تقوی را در سرشت انسان منظور داشته و تقوی را بر فجور برتری داده و در مقام آگاهی هر دو را مورد توجه قرار داده است؛ به طوری که انسان با شناخت سرشت خویش و قرار دادن آن در مسیر اصلی سرشت خود را بارور و زمینه معرفت درونی (فطرت معرفت) خویش را فراهم می‌سازد.

همچنین در سرشت انسان بنا بر نظر امام جعفر صادق (ع)^۴



آثاری که ظاهر می‌سازد؛ واحدند. در ظهور اشیاء، ظهوری که همان وجود قرار دارد؛ در حالی که کثرت در اعیان آنها، که از خود وجودی ندارد؛ باقی است. لذا خدا در وحدت خویش عین وجود اشیاست ولی عین خود اشیاء نیست. اشیاء نور، رنگ یا صورت تجلی و نمادی از آن وجود حقیقی هستند ولی خود آن نیستند (چیتیک ۱۳۹۲، ۲۹-۲۵). اولین آثار این تلقی در تفکر تنزیهی یا توحید و حضور الهی و توجه عمیق به تجلیاتی است که از کثرت می‌گذرد تا به وحدت نایل آید. وحدت به نوبه‌ی خود انسان را به توحید متذکر می‌سازد. لذا شهر اسلامی در یک سلسله‌مراتب منطقی بایستی تجلی‌گاه وحدت‌ها باشد که اولاً تعالیم اسلامی به آن توصیه نموده‌است و ثانیاً بتواند جامعه را به وحدت اصلی رهنمون گرداند (نقی‌زاده ۱۳۸۹ الف، ۵). از طرفی همه اجزاء شهر دعوت‌کننده برای تجسم بخشیدن یا دالهی و وسیله‌ای برای تجلی پروردگار در عالم هستند. می‌توان گفت که شهر ربانی، شهر تذکر جامعه به عبودیت آنان در برابر خالق یکتا به طرق گوناگون یا به کارگیری تعالیم رسیده از خدای واحد است که می‌تواند تجلی‌گاه بسیاری از وحدت‌ها و وحدانیت خالق باشد (نقی‌زاده ۱۳۷۷، ۵۰). وحدت شهر اسلامی را می‌توان در هماهنگی کالبد شهر، جامعه و جهت واحد جستجو کرد. این هماهنگی چیزی جز پدیدار شدن وحدت از طریق کثرت نیست و جهت واحد نیز همان القای توحید و دادن جهت و هدف و حرکت به سمت کمال است.

وحدت و کثرت (وحدت کالبدی)؛ وحدت، حضور الهی را در فضا پر می‌کند و انسان را به عنوان جانشین پروردگار مستقیماً در پیشگاه جلال احدیت قرار می‌دهد. وحدت در شهرسازی و معماری هرگز صفت یا ویژگی فضایی و کالبدی آن‌ها نیست. وحدت همواره صفت کل است؛ نه جزء. اجزاء کثیر و گوناگون در سایه یک هدف ویژه به سوی وحدت حرکت می‌کنند. وحدت با اتکاء به اصل توحید در جهان‌بینی اسلامی موجود و پدیدآورنده اصلی «حرکت به کثرت» می‌باشد. حرکت از کثرت به وحدت در ساختار فضایی و هندسی یک شهر بدین گونه انجام می‌شود که در کلی‌ترین و دورترین نماد یک شهر، یک روستا، در

همچنین در سرزمین اسلامی جوهره فضا در باطن است و حیات درونی اساس فضا است. بنابراین اصالت با فضا تهی است که جایگاه حضور و عبور انسان است. در بازار و مسجد و مدرسه و کاروانسرا از عناصر شهری چون مصداقی از درون‌گرایی رعایت شده‌است. فضای خالی یکی از نتایج اصل مابعدالطبیعه توحید است. کلمه شهادت یعنی لا اله الا الله به صراحت جنبه‌ها و سطوح متفاوتی از این مفهوم را به نمایش می‌گذارد. اولین مفهوم تأکید بر سرشت‌گذار و غیراصیل ماسوی الله است که در این تعبیر عالم ماده از سایر عوالم ناپایدارتر است. دومین مفهوم تأکید بر غیرت یا حقیقت مطلق با حضور خداوند در ورای تمام چیزهای پیرامون ماست که با کلمه «اله» در قاعده فوق متناظر است. بنابراین فضای خالی رمز هم تعالی پروردگار و هم حضور او در تمام اشیاء است. (نصر ۱۳۸۹، ۱۹۷) پس آنچه ظاهراً از دیده‌ها پنهان است همان هستی بخش کل عالم است که گنجی مخفی است.

معرفت توحیدی-وحدت‌گرایی: بحث درباره‌ی توحید، سرسلسله تمام معتقدات دینی، یعنی ایمان به خداست. توحید را می‌توان اعتقاد به وحدانیت خدا و نفی تعدد و کثرت، اعتقاد به احدیت و بساط درون ذاتی و مرکب نبودن ذات الهی از اجزاء بالفعل و بالقوه و نفی صفات زائد بر ذات و اعتقاد به یگانگی صفات ذاتیه (مصباح یزدی ۱۳۹۲، ۱۳۵ و ۱۳۶)، شناخت صفات الهی از طریق تجلیات ذات احدیت و عدم تشبیه ذات الهی به همه چیز دانست (جوادی آملی ۱۳۹۱ ب، ۴۵). اعتقاد به توحید مبنای گرایش به هدف، کمال و حقیقت و عامل اصلی وحدت در آثار مسلمانان است. وحدت یعنی یکتایی و یگانگی و وجود در مرتبه بالاتر واقعیت مطلق و نامحدود خدا یا همان وجود ذات حق، و در مرتبه پایین‌تر اشاره به کل عالم یعنی همه‌ی آن چیزی که هست می‌باشد. وجود به عنوان ذات حق همان بنیاد غیرقابل شناخت هر شیء است که در مرتبه پایین‌تر به صورت همه‌ی اطوار شیء که امکان ظهور دارد حاضر است. پس وحدت وجود ادعایی است به حق، که وجود در تمامیت آن الواحد الکثیره است. مظاهر خدا به خاطر کثرت احکام و

تجلی پروردگار در عالم (رمزپردازی نمادگرایی): به اعتقاد ابن عربی خدا چیزی غیر از خودش را ظاهر نکرده است. یعنی عالم به نحو کامل مظهر حق است و چون خدا در ذات، صفات و افعال خود تجلی کند؛ عالم خلق ایجاد می‌شود. خدا را دو تجلی غیب و تجلی شهادت است. تجلی غیب یا فیض مقدس هویتی است که خدا به واسطه آن از نفس خویش استحقاق (هو) را می‌یابد؛ پس هو دائماً از آن اوست و تجلی شهادت یا فیض مقدس آنجاست که خداوند در عالم شهادت (خلق) تجلی می‌یابد تا شناخته شود: «هو الهی» و تجلی له فیعرفه». محور و مبنای این تجلی در عالم شهود علاوه بر آیه قرآنی «اعطی کل شیء خلقه»، حدیث مشهور «انی کنت کنزا مخفیا، فاحببت ان اعرف» است (بلخاری ۱۳۸۸، ۱۵۴ و ۱۵۵).

همه عناصر طبیعی مظهر و تجلیات صفات و اسماء الهی تلقی می‌شوند و هر بیننده خردگرا و اندیشمند دفتری از آیات و صفات آفریننده‌ای مدبر و حکیم و حیات‌بخش را درک می‌کند و علاوه بر برخورداری‌های مادی از طبیعت، مضامین فکری و معنوی آن توشه سیر و سلوک عرفانی او می‌شود (نقره‌کار ۱۳۹۰، ۴۲۹). همه اجزا بنا به صورت مظهاری از آیه‌های حق تعالی می‌باشند. نقشه‌های ساختمانی، نحوه آجرچینی، نقوش کاشی‌کاری، گچ‌بری و آینه‌کاری، عناصر شهری چون مسجد یا حسینیه، یا همجواری برخی عناصر شهری در یک مجموعه مثل مسجد و بازار و مدرسه و... با اشکالی چون گنبد و قوس، یا طرح‌هایی چون طرح‌های اسلیمی در شهر یادآور و نمایش مراتب توحید می‌باشند. بنابراین شهر حقیقت‌پرداز پاسخی می‌شود بر نیاز انسان حقیقت‌جو و چون تنها مظهر دانایی و حقیقت‌یکتا و بی‌همتا اوست؛ سراسر به تقوی، توحید، وحدت و یاد الهی اشاره دارد. چه در کالبد و چه در رفتار، کالبد رفتار را می‌سازد و رفتار کالبد را. مصداقی از آیه کریمه: «بار دیگر نگاه کن! آیا هیچ خلل و سستی می‌بینی؟ در آفرینش خدایی که هفت آسمان را آفرید ناهماهنگی نمی‌بینی (ملک: ۳)». بنابراین دیگر هیچ خلل و ناموزونی وجود ندارد و هدف تنها رسیدن به کمال است.

کنار اندام گوناگون و متکثر فضاهای مختلف مسکونی و خدماتی، فضای طبیعی و مصنوع و نمادهای مذهبی یعنی گنبد و مناره با بلندای خود، حرکت از کثرت و تنوع را به سمت وحدت نشان می‌دهد. گنبد وحدت‌بخش، سر در درون و درونگرایی مظهر خودسازی و دعوت به فضای داخلی، مناره‌ها سر به آسمان و روبه شهر و مبین دعوت جماعت می‌باشند. مواد و مصالح ساختمان‌ها، رنگ، نقش و تزیین آن‌ها به ترتیب از فضای فردی و خانوادگی به اجتماعی و از فضای دنیایی‌تر به فضای معنوی‌تر سامان یافته‌اند (نقره‌کار ۱۳۹۰، ۴۱۸). بنابراین هماهنگی بین عناصر، فرم و فضا، الگوهای هندسی و سلسله مراتب فضایی در دریافت و ادراک وحدت به کار می‌روند.

وحدت جامعه (وحدت محتوایی): اساس جامعه مسلمان، اعتقاد به ایمانی می‌باشد که بنیانش بر توحید قرار گرفته است. اسلام سنتی است که جهت‌یابی و گرایش آن، به سوی جامعه می‌باشد. تأثیر این جهت‌یابی را در تعبیر مفهوم امت و جامعه مسلمانان می‌توان یافت. مفهومی که مأموریت صریح و تکلیف الهی است که به همه‌ی مسلمانان دستور می‌دهد که دارای یکپارچگی اجتماعی باشند. در قرآن کریم آمده است که باید از شما گروهی باشند که همه مردم را به سوی خیر دعوت نمایند و به کار شایسته و دارند و از کار ناپسند باز دارند؛ یقیناً اینان رستگارانند (آل عمران: ۱۰۴). اسلام تعهد به تشکیل «امت» که لازمه‌ی آن استحکام واحدهای اصلی اجتماعی (خانواده و اهل محل یا همسایگی) می‌باشد را تقویت می‌کند که باعث نوعی احساس وفاداری، همبستگی و انسجام در جامعه می‌گردد. از راه‌های کمک به تجلی وحدت در جامعه کاهش تزاخم به حداقل ممکن در میان همسایگان و مردم، سواره و پیاده، حافظین قانون و مردم و... با ایجاد سلسله‌مراتب شهری و تعریف جوامع کوچک‌تر و یگانگی بین آن‌ها می‌باشد. در شهرهای سنتی مردم در محلاتی متجانس استقرار یافته بودند که براساس معیارهایی چون مذهب، شغل، موطن اصلی و... در کنار یکدیگر جمع شده بودند و جامعه به وحدتی نسبی دست می‌یافت (نقی‌زاده ۱۳۷۷، ۵۱).

۲. گرایش به خیر و فضیلت

گرایش به خیر و فضیلت از مختصات انسان و مربوط به جنبه معنوی و فطری اوست که کارهای انسان را در جهت ارزش‌های اخلاقی و رفتار او را رفتار اخلاقی می‌سازد و چون گرایش به راستی دارد؛ زمینه پاکی را فراهم می‌کند. گرایش به خیر و فضیلت یا فردی است یا اجتماعی. در وجه فردی گرایش به نظم و انضباط، تسلط بر نفس، شجاعت، امنیت، آرامش و در وجه اجتماعی گرایش به تعاون، کمک به دیگران، فداکاری، احترام، ایثار، رعایت حق و حقوق را تقویت می‌کند (مطهری ۱۳۸۷، ۷۹).

پس این گرایش هم در ساخته‌ها و هم در تأثیرپذیری او از محیط، اهمیت و جایگاه دارد. خیر و فضیلت بر اساس گرایش‌های فردی و اجتماعی آن بر مبنای جهان‌بینی اسلامی بر پایه عدالت معنا می‌یابد. عدالت و عدل به معنای قرار دادن هر چیز در جای خود، آن که هر چیز بر اساس حساب و کتابی آورده شده است و نظم خاصی بر آن حکمفرما می‌باشد؛ تعبیر می‌شود. برای عدل چهار معنا مطرح است. موزون و متعادل بودن، تساوی و نفی تبعیض، رعایت حقوق افراد، عطا کردن حق و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال دارد (مطهری ۱۳۹۱ الف، ۶۷ و ۷۱).

عدل را به معنای گفته شده می‌توان با تعبیری چون تعادل: «آن که آفرید، پس درست و معتدل گردانید (اعلی: ۲)»؛ نظم و تقارن: «آن که اندازه قرار داد و هدایت کرد (اعلی: ۳)»؛ توازن: «زمین را گستراندیم در آن کوه‌های استوار افکندیم و از هر گونه گیاه سنجیده‌ای در آن رویندیم (حجر: ۱۹)»؛ حد و اندازه «و آن را به اندازه قرار داده؛ اندازه‌ای درست و دقیق (فرقان: ۲)» یکی دانست. هم‌چنین در نظام آفرینش هستی خداوند همه چیز را دقیق و اندازه‌گیری شده و با نظم و براساس حساب و دلیل آفریده‌است. در دادن‌ها و ندادن‌ها عدالت، قاعده و قانونی برقرار است که از هرگونه هرج و مرج، اضطراب و تشویش دوری بسته و وسیله‌ی آرامش و تعالی در انسان را فراهم می‌سازد.

توجه به این مفاهیم در هنر اسلامی زمینه‌سازی محیط اجتماعی و کالبدی شهر را به گونه‌ای متناسب با ویژگی‌های

انسانی فراهم می‌سازد. مواردی چون عدم معیار قرار دادن مادیات در تشکیل محلات، توزیع عادلانه‌ی امکانات، استقرار و مکان‌یابی مناسب محلات شهری و ارتباط منطقی و عادلانه آن‌ها با فضای مرکزی، تعادل بین رابطه محیط طبیعی و پاسخ‌گویی با ویژگی‌های روانی و فیزیکی انسان، مصرف مناسب و به اندازه در شکل‌ها، فرم‌ها و به کاربردن ارزش‌ها در کالبد شهری از جمله مواردی است که در توجه به مفهوم آیات و روایات در ارتباط با اصول ذکر شده مورد اشاره می‌باشد. در بستر کالبدی شهر سنتی نیز می‌توان مصداق‌هایی از تعادل و نظم را یافت که می‌توانند هم به عنوان بازتابی اصولی از احکام و هم تجلی آیات و روایات مورد توجه واقع شوند.

نوعی از این نظم در سلسله مراتب و دسترسی‌ها به عنوان مثال از بازار شهر تا واحدهای همسایگی، عبور از واحد همسایگی، معابر کم عرض (کوی) و عبور از کوی‌ها به معابر عریض‌تر که همه معابر به مرکز محله منتهی می‌شوند و معبری مهم‌تر که مرکز محله را به مرکز شهر متصل می‌سازد؛ قابل مشاهده می‌باشد. نوع دیگر نظم در ابعاد و اندازه‌ها مشهود است. به عنوان مثال، وسعت و جمعیت هر یک از محلات شهر دامنه مشخصی دارد و هیچ‌گاه محله به اندازه دو محله ساخته نمی‌شود و هرگاه محله‌ای توسعه می‌یافت شرایط ایجاد یک محله جدید از نظر کالبدی و اجتماعی در آن فراهم می‌شده است. نظم در شهر سنتی بر اساس سلسله مراتب و دسترسی‌ها، انتظام فضایی و کالبدی (میثاقیان ۱۷، ۱۳۹۲)، با استفاده از تناسب و ترکیبات مطلوب (مانند ترکیب‌بندی مناسب بین ورودی، مناره‌ها، گنبد و بدنه تکیه امیرچخماق)، تقارن با استفاده از ایجاد انتظام در فضاها (عامل نظم، ایستایی، استحکام و تکامل ازلی و ابدی در چشم)، نظم فضاهای باز و بسته (سلسله‌مراتب فضای بسته با باز، نیمه‌باز، نیمه‌بسته) برقرار می‌شده است (بمانیان ۱۳۸۶، ۷۶/۷۲).

مصداق تعادل هم در بستر شهر سنتی، به تناسب و هم‌خوانی جمعیت‌پذیری با توان موجود در طبیعت، توسعه کالبدی

۳. گرایش به جمال و زیبایی

بنا بر حدیث «ان الله جميل و يحب الجمال» منبع همه زیبایی‌ها، خداوند است. با توجه به حدیث «كنت كنزاً مخفياً فأحببت أن أعرف فخلقت الخلق لکی أعرف» مبدأ و منشأ زیبایی مستند به ذات حق است و آنچه سبب برانگیخته شدن حب یا عشق به حق گردیده؛ کمالات ذاتی حق به تعبیر دیگر حسن و جمال است. غایت خلقت و غرض اصلی از آفرینش عالم، شناخته شدن اوصاف جمالیه و جلالیه و اسمای حسنی حق تعالی است. زیبایی هر موجودی هم پرتو زیبایی الهی است و به نحو خاص خود، زیبایی الهی را متجلی می‌سازد. زیبایی ظاهر حقیقت است و حقیقت باطن زیبایی. حقیقت مطلق برای نزول و قابل فهم شدن باید متجلی شود (فیروزان ۱۳۷۸، ۱۹۳). به زبان دیگر خداوند برای شناخته شدن باید در اشیاء و صورت‌ها و فرم‌ها تجلی یابد به صورتی در آید.

زیبایی چه به معنای زیبادوستی و چه به معنی زیباآفرینی جزئی از فطرت پاک انسانی است. انسان مظهر صفات و اسماء الهی است و همه اسماء و صفات الهی نیز به او تعلیم داده شده‌است. در دنیای ما زیبایی موضوعی اصیلی است. نه به این علت که بشر آن را مطرح کرده؛ بلکه ریشه در روح ما دارد و اساساً روح در این دنیا بدون دریافت زیبایی نمی‌تواند آرام بگیرد و دوام بیاورد. زیبایی نه تنها حس خاصی را در ما ایجاد می‌کند؛ بلکه طریقی برای دریافت کمال است. یعنی با دقت در یک اثر زیبای خلقت، در عین آنکه حس زیبایی‌جویی انسان اشباع می‌شود؛ انسان به دریافت کمال نیز نائل می‌گردد (جعفری ۱۳۹۲، ۱۷۴).

آیات و روایات بیشماری نیز بر زیبایی و مصادیق آن تأکید می‌نمایند: «همانا ما آسمان و دنیا را به زیور ستارگان آراستیم. (صفات: ۶)» زینت‌های خدا و روزی‌های پاکیزه‌ای را که برای بندگانش پدیدآورد، چه کسی حرام کرد؟ (اعراف: ۳۲) که نشان از توجه به زیبایی و زیبادوستی برای رسیدن به کمال دارد. در هنر اسلامی، زیبایی هم در فضا و کالبد شهر و هم در تعاملات اجتماعی تعریف شده‌است که در میان شهروندان از عوامل مهم و فزاینده در تغییر رفتار آن‌ها می‌باشد. در بعد اجتماعی مسائلی چون حرمت همسایه،

بناها و شهر با اتکا به مصالح طبیعی موجود، تقسیم‌بندی بنا و اجزاء شهر با خدمات مورد نیاز آن‌ها، همزیستی افراد فقیر و غنی در کنار هم بر اساس معیار تقوی قابل مشاهده می‌باشد. تعادل کالبدی نیز در شهر سنتی براساس تعادل کل بناها و اجزاء آن‌ها با محیط پیرامونشان (مانند میدان نقش جهان)، تعادل در ارتباط با محیط (بنا تکمیل‌کننده طبیعت مانند باغ‌ها و باغشهرهای ایرانی) و ایجاد فضای آرامش دهنده و ایستا (مراکز و میادین شهری که توسط آب و گیاه سامان یافته بودند) به دست می‌آمده‌است (همان، ۸۰/۷۷). بنابراین شهری که از نظم، تعادل، تنوع، کمال و هماهنگی، حفظ حریم برخوردار است؛ شهری آرامش‌بخش و فاقد هرج و مرج می‌باشد و از آن‌جا که بنیانش بر عدالت گذاشته شده؛ بنا بر گرایش به خیر و فضیلت شهر احسان و نیکی کردن می‌باشد که به عنوان لازمه یک مسلمان و مختصات یک شهروند در روایات و احادیث بیشماری به مراتب و خصوصیات آن اشاره شده‌است. مواردی چون احترام و رعایت حقوق همسایگان، بزرگان و... که می‌تواند زمینه پیش‌گیری از بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی، رفتاری و اجتماعی را براساس معیار عدالت و تقوی فراهم سازد و شهر را در جهت برقراری امنیت در تمامی ابعاد شامل امنیت اجتماعی، در مقابل تهاجم بیگانه، در مقابل بلایای طبیعی، در مقابل ساخته‌های انسان و عوارض فعالیت‌های او (آلودگی‌های طبیعی و صدمات بصری و...) تقویت نماید.

لازم به یادآوری است که امنیت از نیازهای اولیه و اساسی بشمار می‌رود و اهمیت مسأله تا بدانجاست که حضرت ابراهیم در مقام دعا می‌فرماید: «پروردگار من این مکان شهری امن قرار ده و اهلش را روزی بخش (بقره: ۱۲۶)». این تأکید نشان از اهمیت امنیت و مقدم داشتن آن از رزق و روزی دارد که یکی از اقدامات کالبدی در شهرهای گذشته ایجاد خندق در پیرامون شهر و نحوه ارتباط آن با محیط پیرامون و مرکز شهر و چینش عناصر تشکیل دهنده شهر بر اساس معیار امنیت در جهت ایجاد شهر تکامل یافته و پیش‌رفته بوده‌است.

باعث ایجاد زیبایی می‌گردد. هندسه علاوه بر نظم‌دهی در فضای شهری وسیله‌ای برای ایجاد همبستگی عمومی و کلی بین تمام عوامل و عناصر تأثیرگذار در شهر می‌باشد. هندسه که از مربع، دایره و اشکال منظم تشکیل شده در مکان‌های مختلف یکسان است اما از طرح‌ها، خطوط، تناسبات، ترکیبات متفاوت و با مفاهیم مختلف استفاده می‌کند که باعث ایجاد تازگی، طراوت و تنوع گردیده است و حس زیباجویی انسان را تقویت می‌کند.

نور، رنگ و شفافیت: نور پدیده‌ای است که در تعالیم قرآن بسیار به آن اشاره شده و با تعبیری چون خداوند، پیامبر اکرم (ص)، هدایت و ایمان، بینایی از آن یاد شده است (نقی‌زاده ۱۳۷۹، ۲۰). شهر اسلامی با ایجاد درجات مختلف نورانیت و بهره‌گیری از جهات مختلف برای تابش و تکنیک‌های گوناگون انسان را به وجود نور متذکر می‌سازد که به عنوان نماد و نشانه نمایش رمز و مثال حقیقت وجودی می‌باشد. بنابراین زیباست و باعث جمال درونی فضا می‌گردد. رنگ نیز در فضای شهری هم عامل هماهنگی و هم عامل سرور و شادمانی می‌باشد. برخی رنگ‌ها، دارای معانی نمادین و یادآور ارزش‌های مطلوب می‌باشند که می‌توانند تأثیرات متفاوتی بر روان، روحیه و خلق انسان‌ها بر جای گذارند. یکی از مهم‌ترین وظایف مسلمین شناسایی و ترویج رنگ الهی می‌باشد که به انسان فطرت ایمانی و سیرت توحیدی می‌بخشد (نقی‌زاده ۱۳۷۹، ۳۷).

نور و رنگ با ترکیب هندسه به وحدتی روشنی‌بخش می‌رسد که باعث ایجاد حس آرامش قلبی و ذهنی و اطمینان درونی می‌گردد. برای مثال ترکیب بافت خشتی شهر یزد با محیط پیرامون آن تناسبی فرمی و وحدت فضایی ایجاد کرده است. در یک تعریف کلی هم می‌توان شفافیت را یکی از اصولی اصلی معماری و شهرسازی ایرانی است از نکات زیبایی آفرینی شهر سنتی تلقی کرد. زیرا شفافیت یا به تعبیر بهتر دل‌بازی و سبکی و صفای فضا در فضای معماری و شهر، با کاهش از جرم و توده ساختمان و افزایش فضای خالی و با تجلی وجه باطنی و ملکوتی مواد و مصالح با شگردهای گوناگون به یاری نور و بازتاب آن و نقوش و بافت و رنگ و خط و روش‌های دیگر

رعایت حقوق همسایگان، صلح و رحمت، اهمیت روابط اجتماعی وسیله‌ای برای آبادی شهر و عمر زیاد به واسطه‌ی رشد کمالات انسانی می‌باشد.

در بعد کالبدی نیز آیات و روایات فراوانی به زیبایی و چگونگی آن پرداخته است که در تقویت معنای نهفته در هر کالبد و ایجاد هر قالب برای هر محتوا می‌تواند راهنما باشد. در قرآن ساختار عالم در قالب یکی از کلیدی‌ترین واژه‌های جهان‌بینی اسلامی یعنی قدر بیان شده است که در ارتباط وثیقی با اصطلاحاتی چون الله، قدر، خلق، نور، صور، حسن (جمال) و رنگ (صبغه الله و من احسن) دارد که از یک سو بر خدای خلاق و قادر دلالت می‌کند که یکی از اوصاف جمالی او نور است و از دیگر سو بر عالمی که تجلی صفات اوست. عالم سراسر نور، زیبایی و تناسب است. کشف این تناسب هم شناخت عالم و هم وسیله ورود به بوستان معرفت الله و ادراک ذات و صفات اوست (بلخاری ۱۳۸۸، ۳۹۵).

همچنین در آیاتی دیگر -چون آیات دوازده تا شانزده سوره نحل- به نکات جالبی از زیبا آفرینی و زیبایی اشاره شده است. بر اساس آیه شب و روز، خورشید، ستاره، ماه و ستارگان و هر چه در زمین است در تسخیر انسان و برای بهره‌مندی در زندگی می‌باشد. دریا مبلغ تغذیه و آراستن انسان و آثار او، کوه‌ها حافظ زمین و نهرها برای راهیابی انسان می‌باشند. که می‌توان از آیه نکاتی چون تنوع رنگ‌ها، نظم، پویایی، تناسب، تقارن، تباین، اندازه، شادابی، طراوت، پاک‌ی، بهره‌گیری از نعمات الهی و توجه به ابداع و تنوع را به عنوان مؤلفه‌های زیبایی کالبدی در پرداخت زندگی استخراج کرد. بنابراین از مصادیق زیبایی در شهر اسلامی می‌توان به هندسه و تناسب، رنگ و نور و شفافیت و نشانه‌ها و باغ ایرانی و باغشهر ایرانی اشاره کرد.

هندسه: هندسه از فطرت و خواسته‌های فطری نشأت گرفته و براساس زیبایی فطری انسان بروز یافته و بر فطرت و خواسته‌های فطری او اثر می‌گذارد. در شهر اسلامی هندسه عینیت را به ذهنیت و مادیت را به معنویت می‌رساند. انعکاس هندسه هم در پلان شهری و هم در نماها و در نهایت در ترکیب فرمی با بهره‌گیری از تناسبات دل‌نشین و هماهنگی

آیه ۳۳ سوره بقره^۵ اشاره به لطف پروردگار در قراردادن استعداد فوق‌العاده برای درک حقایق هستی به آدم دارد. خداوند این استعداد او را به فعلیت رسانید و به گفته قرآن به آدم همه اسماء -حقایق و اسرار عالم هستی- را تعلیم داد (و علم آدم الاسماء کلها). در حدیثی که از امام صادق (ع) پیرامون این آیه سؤال کردند؛ فرمود: منظور زمین‌ها، کوه‌ها، دره‌ها و بستر رودخانه‌ها (و خلاصه تمامی موجودات) می‌باشد. سپس امام (ع) به فرشی که زیر پایش گسترده بود نظری افکند فرمود حتی این فرش هم از اموری بوده که خدا به آدم تعلیم داد. بنابراین علم اسماء مربوط به فلسفه و اسرار و کیفیات و خواص آنها بوده است. خداوند این علم را به آدم تعلیم کرد تا بتواند از مواهب مادی و معنوی این جهان در مسیر تکامل خویش بهره‌گیرد.

با توجه به آیه و تفاسیر آن می‌توان به وجود خلاقیت، ابتکار و ابداع از جانب خدا در فطرت انسان دست یافت. از سویی فطرت، خلاقیت و ابداع ساخت انسان را به گونه‌ای می‌داند که برایش ایستادن نیست. آدمی طوری آفریده شده، در او شوری ریخته‌اند؛ به او خودآگاهی و بینشی داده‌اند که می‌داند قله‌هایی را باید به دست آورد. همین احساس، حرکت انسان را چه در عالم روحی-اش، چه در جامعه‌اش و چه در تاریخش تأمین می‌کند.

انسان اگر مقصد و حرکتش را پیدا کند و خواست آن را در خود و در جامعه خود تحقق دهد؛ برای تأمین نیاز تحول و حرکتش سه راه دارد: ۱- تجربه (عبرت)، ۲- اصلاح، و ۳- هدایت. «وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَّهْدِينِ» و (ابراهیم) گفت: من به سوی پروردگارم رهسپارم؛ او مرا راهنمایی خواهد کرد (الصافات: ۹۹). بنابراین شهر اسلامی در مقام فطرت خلاقیت و ابداع، هدایت‌گر، اصلاح‌گر و عبرت‌دهنده مردمان خویش است تا شرایط خودشناسی و خودسازی انسان را برآورده سازد و گرایش به خلاقیت و ابداع او را در جهت کمال سوق دهد.

حقیقت آنست که همه نعمت‌ها را خداوند آفریده است و بهره‌برداری از آن وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت و تکامل انسان-هاست. هدف الله است و بقیه عناصر و وسیله‌های

ایجاد می‌گردد (نقره-کار، ۱۳۹۰، ۴۳۳) که زیبایی و تجلی صفات الهی و حس تنوع را در فضای شهری پدید می‌آورد. زیبایی با تنوع در شهر ایرانی با به‌کارگیری نشانه‌های شهری، بازی نور و سایه، بهره‌گیری از عناصر طبیعی نظیر گیاهان، عناصر نمادین در پیچ‌ها و گذرها متناسب با مقیاس محله‌ای، کلان محله‌ای و شهری حاصل می‌گردد (میثاقیان، ۱۳۹۲، ۱۴۳).

۴. گرایش به خلاقیت و ابداع

خلاقیت، گرایشی در انسان است که می‌خواهد خلق کند و بیافریند چیزی را که نبوده و وجود نداشته‌است. هر انسانی براساس فطرت خویش تا اندازه‌ای میل و تمایل به خلاقیت دارد. انسان به اعتبار اینکه صورت الهی دارد و جانشین خداوند روی زمین می‌باشد صفات الهی در او تجلی کرده است. «اوست خدا، آفریننده نوساز، صورت‌گر، همه نام‌های نیکو ویژه اوست (حشر: ۲۴)». (مسائلی، ۱۳۸۸، ۳۱) «و ما انسان را در بهترین صورت و اعتدال آفریدیم (تین: ۴)». هرچند انسان کامل‌ترین موجود و جانشین خدا در زمین است اما برای دست‌یابی و رسیدن به کمالات باید به خودشناسی و خودسازی خود بپردازد. سپس معانی و حقایق را که از عالم و دین و قوانین الهی بدست آمده-است را در ذهن خود خلق نماید و براساس معانی خلق کرده صورت‌بندی کند. هنر و صنعت ساخته او نیز به انسان رو می‌کند تا کاملاً به خود بازگردد. یعنی انسان به جای اینکه نفس خود را به بیرون از خود منعکس کند؛ در مرکز وجود خود مستقر می‌گرداند تا انسان بتواند شرف و عزت اصلی خود را که ارمغان ازلی اوست (فطرت) دریابد (همان).

این گرایش انسان را به این سو می‌کشاند که چیزی را که نیست؛ بیافریند. این خلق و ابداع در او نوعی سرور و شادمانی ایجاد می‌کند. این خلاقیت در امور محسوس و مادی قابل ملاحظه است؛ اما در امور نظری و عقلی بسیار فرح‌بخش‌تر است (خسروپناه، ۱۳۹۲، ۱۰۶). سرور و شادی در امور نظری و عقلی ناشی از تأثیرات محتوایی صنع انسانی با توانایی هدایت‌گری، اصلاح و عبرت آن، که منجر به آرامش روحی آدمی می‌گردد، تحقق می‌یابد.



بهره‌برداری از آن صورت گرفته‌است. علاوه بر این عبرت‌گیری الگوبرداری از آثار و اعمال پیشینیان و دیگر تمدن‌ها و جهان طبیعی، نوع رفتار و زندگی اجتماعی گذشتگان است. عبرت‌گیری در دو موضوع قابل بررسی است یکی در عاقبت گناهکاران و دیگری راه صالحان تا تجربه گذشتگان وسیله‌ای برای تعالی و حرکت کمال‌بخش انسان باشد. شهر نیز می‌تواند همچون چهره پیشینش راهنمایی باشد برای ایجاد خلاقیت و هم چهره امروزش راه آیندگان و تکرار تجربیات گذشتگان، حفظ ارزش‌های گذشته و راهکارهای برای ادامه راه. حضرت علی (ع) خطاب به فرزندشان می‌فرماید: «آنچه را که بر پیشینیان رفته به یاد خود بیاور تا بفهمی که ممکن است به سرنوشت گذشتگان مبتلا شوی. آثار مخروبه‌ی آنان را، خانه‌هایی که در آن زندگی می‌کردند از نظر بگذران تا این مسیر، عامل اندرز و پندی باشد و نوری در تو ایجاد کند (جوادی آملی ۱۳۸۹ الف، ۱۲۸).»

استفاده از عناصر گذشته (استفاده از حیاط مرکزی، فضای مرکزی در شهر و...)، گزینش و انتخاب از عناصر گذشته (نکات مثبت آن‌ها) به همراه پیش‌رفت و ارتقاء عناصر گذشته که می‌تواند از زمینه‌ی ابداع و تنوع در شهرساز و شهر باشد؛ از جمله راهکارهای رسیدن به این تجربه است (بمانیان ۱۳۸۶، ۶۷/۶۵). در شهر سنتی نیز تنوع و ابداع مورد توجه بوده‌است. عدم همسان بودن معابر شهری، ایجاد تنوع با به‌کارگیری ساباط‌ها و طاق‌نماها، استفاده از بازی نور و سایه و گیاه، به‌کارگیری عناصر نمادین، تنوع در فرم‌ها و احجام به‌کاررفته در بافت شهر، غیرهم‌سان بودن تمامی بناهای بافت شهر با تنوع در جزئیات تنها بخشی از تلاش شهرسازان گذشته در ایجاد تنوع در بافت شهری بوده‌است. این تنوع حاصل بهره‌گیری از تجربیات گذشتگان است که به علت خودسازی و خودشناسی هنرمند که تحت تأثیر محیط پاک و مطهر و فضای معنوی شهرش قرار داشته حاصل گردیده‌است.

برای جهت‌گیری و رسیدن به وصال حق است. بنابراین شهر اسلامی می‌تواند و باید شهر هدایت نامیده شود. هدایت ساکنین‌اش به سمت تعالی معنوی، هدایت به سمت وحدت جامعه، نیکی، احسان، اعتدال و میانه‌روی و ارزش‌ها. این نقش از طرق مختلفی چون علائم و نشانه‌های مناسب، بهره‌گیری از سمبل‌ها، درون‌گرایی، عبرت‌رسانی، توجه به ابعاد معنوی و مادی، حیات، از طریق حذف امکان بروز گناه امکان‌پذیر است (نقی‌زاده ۱۳۷۷، ۵۳). این کار در شهرسازی سنتی به صورت ایجاد فضای ساده (نادیده‌گرفتن تصنع و زرق و برق دنیایی)، استفاده از مقیاس معقول (ارتفاع، مقیاس‌ها، اندازه‌ها) و جهت‌گیری به سمت قبله به معنای جهت‌دار بودن زندگی (بمانیان ۱۳۸۶، ۵۹) استفاده از نمادهایی چون مناره و گنبد (هم نماد شهری و نشانه شهری) و ایجاد حریمیت و پوشش (طراحی سلسله‌مراتب، عدم امکان دید از فضای داخلی به خارج) صورت پذیرفته است.

یکی از وظایفی که برای انسان تعیین شده اصلاح در زمین (هود: ۶۱) و اجتناب از فساد است. به تبع این نقش، شهرسازی نیز بایستی صبغه‌ای از اصلاح در زمین، اصلاح روش زندگی، اصلاح روحیات و منش انسان، اصلاح فرد و جامعه و... را به نمایش بگذارد. هر فعالیت و ساختی خدمت به انسان، رشد کرامت‌های انسانی، زمینه‌ی معنویت و کسب هدف مقرر شده حیات انسان می‌باشد (نقی‌زاده ۱۳۷۷، ۵۵). برای همین شهر اسلامی مخرب طبیعت نیست؛ بلکه ارتباطی دو سویه با طبیعت دارد. در شهر، بناها دارای حیاطی هستند که در آن علاوه بر مشاهده آسمان، ماه، ستارگان و خورشید آب و گل و گیاه حضور دارند. مصالح مورد استفاده در ساخت و سازها، مصالح طبیعی و به ویژه خاک است که قابل بازیافت می‌باشد. علاوه بر این جهت‌گیری ابنیه در جهت بهترین بهره‌برداری از عوامل طبیعی چون (آفتاب، باد و...) است و در بعضی مناطق با ابداع عناصری چون بادگیر و شبستان از ویژگی‌های طبیعی بهترین استفاده را داشته‌اند. بهره‌برداری از منابع آب نیز به صورتی انجام شده که باعث آلودگی آن‌ها نشده و حداکثر

۵. گرایش به عشق و پرستش

گرایش به عشق و پرستش از آن جهت در آخرین گفتار آمده که جامع‌گرایش‌های فطری انسان است و تمام‌گرایش‌های پیشین برای رسیدن به پرستش خالصانه می‌باشد. حس پرستش با گرایش به حقیقت که در ابتدای گرایش‌ها از آن سخن رفت متفاوت است. این دو میل گرچه با هم ارتباط دارند و شاید با تسامح یک میل تلقی شوند؛ اما با اندکی دقت درمی‌یابیم با هم تفاوت دارند. گرایش به خداوند متعال و اینکه حقیقت وجودی ما بدان سو میل دارد، با حب پرستش - که گاه به آن «خضوع در برابر محبوب» نیز می‌گویند - کاملاً یکسان نیست.

اینکه کسی مایل باشد در کنار دوستش بنشیند و با او باشد؛ یک میل است و این که دوست دارد با او گفتگو کند؛ میل دیگری است. به بیان دیگر، رابطه ما با مبداء متعال و کمال مطلق به صورت‌های گوناگونی تحقق می‌یابد که هر یک میل فطری است. میل فطری «اطاعت از محبوب»، «مناجات با او»، «استعانت از او»، «توکل و تکیه بر او» و جز این‌ها گونه‌های مختلف ارتباط فطری با خداست که هیچ کدام را نمی‌توان مساوی با «خداگرایی فطری» دانست (گرامی ۱۳۹۱، ۱۲۰).

فطرت پرستش بسان حکمت عملی است که تحقق و تجلی آن فروع بر وجود حکمت نظری (فطرت معرفتی - توحیدی) است. یعنی در وادی حق پرستی، انسان ابتدا چیزی را درک می‌کند و می‌فهمد؛ سپس به آن گرایش پیدا می‌کند (جوادی آملی ۱۳۸۹ ب، ۱۴). از این روست که امام علی (ع) می‌فرماید: «او را دیدم و شناختم و به عبادتش پرداختم و عبادت نمی‌کنم خدائی را که خود، او را نبینم (فیض کاشانی بی تا، ۴۹)». در آیه ۱۳۸ سوره بقره عبارت «صیغه الله» (رنگ خدایی ایمان)، همان فطرت معرفتی و توحیدی است و قرار گرفتن «نحن له عابدون» در کنار آن این حقیقت را بازگو می‌کند که عبادت، پرستش، خضوع و تسلیم ریشه در اعماق سرشت انسان دارد و در انسان علاوه بر فطرت معرفتی و توحیدی، فطرت پرستش و تسلیم نیز وجود دارد. در هنر اسلامی، شهر اسلامی سراسر شهر عبودیت (بقره):

(۱۲۷)، بندگی، شکر، تسبیح (نور: ۴۵)، ذکر و تذکر (ذاریات: ۵۵) می‌باشد که همه جلوه‌هایش نمایش یاد عظمت الهی است و شهر سنتی این مفاهیم را بهتر مشخص می‌سازد. این عناصر و مفاهیم را می‌توان متشکل از دو گروه عناصر طبیعی (آیات الهی) و استفاده از آن‌ها در باغات و فضای سبز شهری و عناصر انسان ساخته (سمبل‌ها یا نشانه‌ها) طبقه‌بندی کرد. عناصر انسان ساخت شامل اشکال و فرم‌هایی می‌شوند که در طول تاریخ برای اکثر احاد جامعه معنا و مفهوم معنوی و خاصی را بازگو می‌سازند (نقی‌زاده ۱۳۷۹، ۹).

برای مثال می‌توان به گنبد یا گلدسته یا حتی نقوش اسلیمی و کاشی‌کاری اشاره نمود. عناصر شهری چون مسجد، بازار، مدرسه هم می‌توانند در یادآوری معنویات نقش داشته باشند. مسجد در گذشته از ارکان اصلی شکل‌گیری شهر محسوب می‌گردیده و تنظیم‌کننده تمامی خصوصیات معنوی و مادی شهر بوده است. محلات مسکونی، بازار و سایر مراکز اقتصادی و اجتماعی با پیروی از نظم خاصی حول محور مساجد قرار می‌گرفته‌اند. در شهرها و محلات ایران، مساجد به همراه زیارتگاه‌ها و تکایا چنان در چشم اندازهای فرهنگی موثر واقع می‌شوند که تنها ساختمان مرتفع شهر این امکان هستند تا انسان را در هر نقطه‌ی شهر به این اصل متذکر گرداند که شهر، شهر عبادت است. معماری آن ریشه در فرهنگ، باورها و اعتقادات مسلمین دارد و با نمادها و سمبل‌های به کاررفته در آن هویت مختص اسلامی به آن می‌دهد و القا کننده آرامش و تفکر ربانی در اهل شهر می‌باشد.

در شهر اسلامی به کارگیری عناصر طبیعی را می‌توان صفتی از شکر نعمات و ذکر و یاد الهی و نمودی از گرایش به عشق و پرستش دانست که در باغسازی و قرارگیری شهر در دل باغات و تأمین نیاز مردمان و روزیشان از درختان آن مشاهده می‌گردد که ترکیب عناصر طبیعی و گیاهان به همراه آب که نماد پاکی (فرقان: ۴۸)، زندگی (جاثیه: ۵۵)، زیبایی و آبادانی (انعام: ۹۹) در تجلی بهشت آسمانی در زمین است؛ ظهور می‌یابد و نمادی لطیف و آسمانی از فضای معنوی در دل شهر می‌سازد. تمثیل‌هایی که از فضای بهشت در قرآن آمده است؛



کرده تمایز پیدا می‌کند و تشخیص می‌یابد و علاوه بر اثر اتصال به آن قبله‌گاه معنوی شریف، مطهر و مقدس می‌گردد. این توجه هر چند بیش‌تر در مساجد و سایر اماکن مذهبی مشاهده می‌شود در پاره‌ای از اوقات در بناهای دیگر نیز به چشم می‌خورد. از جمله آن‌ها می‌توان به میدان امام -نقش جهان- اصفهان اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

آنچه که به عنوان معانی و اصول منبعث از گرایش‌های فطری بر مبنای اسلام استدلال شد (نمودار ۲)؛ بیانگر آنست که اصلی‌ترین موارد تبیین‌کننده ویژگی‌های شهر ساخته دست انسان، باورها، اعتقادات، ساحت‌های وجودی انسان و به عبارت بهتر جهان‌بینی او می‌باشد. ریشه همه بدی‌ها ناشی از نادانی و بی‌خردی هاست و شهری که براساس جهان‌بینی انسان شکل‌گیرد در مقایسه با شهر فاقد اندیشه و خرد از جایگاه بالاتری برخوردار است. بنابراین آنچه ویژگی‌های کیفی و کمی صورت و کالبد شهر را برای انسان تعریف می‌کند همان عقل یا علم حقیقت محور می‌باشد. عقل شعبه‌ای از الهام مستتر الهی در فطرت و نهاد و نهان انسان است که خدا آن‌را به ودیعت نهاده است. عقل هاتف غیبی و پیام‌آور الهی از منابع قوی و غنی دین اسلام است که از رابطه‌ای متقابل با فطرت و شریعت برخوردار است (جوادی‌آملی ۱۳۹۱ الف، ۸۲/۸۱). حال شهری که کالبد آن براساس مبانی فکری اسلام، اصول زندگی اسلامی و الگوی رفتاری آن شکل می‌گیرد؛ رفتاری انسانی و عقلانی در جای جای هر یک از فضاها و آن جریان دارد. زیرا اساس قوانین و نظام اداره آن عقل و جاری فضاها و آن اندیشه کمال‌جویانه می‌باشد. از طرف دیگر عقل حقیقت‌محور با براهین قطعی می‌داند که بسیاری از امور را نمی‌داند و باید راهنما و راه‌بلدی باشد تا او را راهنمایی کند و راهنمایی نیز باید از طرف کسی باشد که عالم و آدم را آفریده است و او را می‌شناسد؛ نیازهای او را می‌داند؛ به هدف والای او واقف است؛ زندگی اخروی او را بر پا ساخته و می‌شناسد و متناسب با آن برنامه می‌دهد.

اسلام بر اساس شناختی که از انسان و اهداف او دارد بایدها و نبایدها، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی را در متون دینی

سرشار از عناصر سرزنده است که با الهام از آن می‌توان بهشت زمینی را در کنار مفاهیم اعتقادی و قدسی و مذهبی به گونه‌ای سامان داد که انسان هم از مواهب طبیعی بهره‌بردار هم آن‌که رشد، تعالی روحی معنوی نیز به دست آورد.

به همین منظور بناها و شهرها در تمدن اسلامی ضمن برخوردار از باغ‌ها و کوشک‌ها و حیاط‌های سرسبز و آب‌های روان و چشمه‌های جوشان همواره تمرکزها و محورهای اصلی بناها در محلات شهری بر روی عناصر مرکزی است که جنبه قدسی، معنوی و مذهبی دارند (نقره‌کار ۱۳۹۰، ۴۳۳). بنابراین شهر سراسر ذکر و عبادت شهر شکر نیز هست که نه تنها ادکار است بلکه شکر اعمال هم هست. شهر هماهنگ با طبیعت (در حجم و فرم) با بهره‌گیری از عوامل طبیعی (بادگیرها، جهت‌گیری درست بنا برای استفاده از انرژی) و توجه به نقوش طبیعی و بازتاب اسلیمی آن در تزئیناتش به سبب استفاده درست از نعمات الهی و دیدن عظمت الهی در جهان هستی شکر و سپاس‌گذاری خود را به جای می‌آورد (بمانیان ۱۳۸۶، ۸۱/۸۶).

شهر ربانی همواره مرکزی^۷ دارد که از آن سخن می‌گوید. ساختار تمامی بناها و شهرهای ایرانی-اسلامی دارای مرکزیت و کالبدی است که ما به ازای مفهوم توحید به صورت مرکز، محور در شهرها نمود و بروز دارد. بازار مرکز شهر است و محلات شهری، پیرامون آن شکل گرفته‌اند. هر محله یک مرکز محله دارد که این مرکز محله با یک محور مهم به بازار شهر متصل می‌شود. در بازار نیز مسجد جامع مرکز سیاسی-عبادی اجتماعی شهر است و در محلات، مساجد محلات همین نقش را ایفا می‌نمایند (میتاقیان ۱۳۹۲، ۸۹/۹۰). اصل مرکزیت، عدالت نسبی را در استفاده از خدمات عمومی فراهم می‌نماید. دسترسی به مراکز خدماتی با پیمودن مسیر متعادل و یکسان میسر می‌گردد. مراکز محلات نیز در میزان دسترسی‌ها و استفاده از خدمات شهری به یک میزان از مرکز شهر و بازار فاصله دارند.

جهت‌گیری شهر اسلامی رو به قبله به صورت غیرمستقیم بر مفهوم و مرکزیت الهی تأکید می‌کند. هنگامی که بنایی خاص به سوی کعبه روی می‌گرداند؛ از آنچه او را احاطه

و اطمینان او را فراهم می‌سازد و از آن جهت که فطرت در درون انسان‌ها و ذات همه‌ی ما در پذیرش به حقیقت خداوندی محسوب می‌گردد؛ مورد پذیرش عقل و از اندیشه انسانی برخوردار است. از هر کدام از گرایش‌های پنجگانه بر مبنای استدلال‌های مورد نظر، معانی منبعث می‌گردد که اصول متأثر از آن مؤلفه‌ها و شاخص‌های مطرح در سازمان‌بندی شهر اسلامی را مشخص می‌سازد. این مؤلفه‌ها از آنجا که ریشه در اصول و معانی فطری متأثر دارند؛ متناسب با ساحت و مراتب انسان از وجهی کالبدی و اجتماعی برخوردار می‌باشند (نمودار ۲).

در رأس آن قرآن، سیره‌ی پیامبر و معصومین (ع) عرضه کرده‌است. اصول شریعت که منطبق بر عقل و به تبع آن گرایش‌های فطری انسان در پاسخ به دو ساحت بینش و گرایش‌ها یا دانسته‌ها و خواسته‌های او در جهت رسیدن به زندگی عقلانی و کمال معنوی انسان می‌باشد. مؤلفه و شاخص‌هایی که در پنج گروه گرایش و خواسته‌های روحی و فطری او گرایش به حقیقت‌جویی و رسیدن به کمال، خیر و فضیلت، جمال و زیبایی، خلاقیت و ابداع و عشق و پرستش قابل دسته‌بندی می‌باشد و چون پاسخی است به تمام نیازهای وجودی او؛ این گرایش‌ها زمینه آرامش



نمودار ۲. معانی و اصول منبعث از گرایش‌های فطری بر مبنای استدلال‌ها. (مأخذ: نگارندگان)

به این ترتیب شهری که سازمان‌بندی آن بر اساس مؤلفه‌ها و شاخص‌های کالبدی و اجتماعی اسلام شکل می‌گیرد؛ شهری عقلانی و در جهت سعادت و زندگی عقلانی می‌باشد که همچون فطرت انسان در دو بخش صورت (ظاهر) و معنی (باطن) برنامه‌ای فیزیکی (کالبدی) و اجتماعی ارائه می‌دهد (جدول ۱).

جدول ۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های فطری در سازمان‌بندی شهر اسلامی، (مأخذ: نگارندگان).

تحلیل ویژگی‌ها در هست‌ها و بایدهای شهر اسلامی	تشریح اصول شهر اسلامی براساس ویژگی‌های فطری	گرایش‌های فطری انسان
<ul style="list-style-type: none"> • وحدت و کثرت - اندام‌های متکثر شهر نمادهای مذهبی متکثر نمایش وحدت- نمایش مواد و مصالح، رنگ‌ها و تزیین‌ها از فضای دنیایی به فضای معنوی • وحدت جامعه - تشکیل امت عامل استحکام، همبستگی و انسجام- سلسله‌مراتب شهری، تعریف جوامع کوچکتر، محلات متجانس با معیار مذهبی • رمزپردازی و نمادگرایی - تزیینات، عناصر شهری، اشکال کالبدی نمایش مراتب وجود • درون‌گرایی - رعایت حدود و حرمت و حریم اشخاص ایجاد حیاط مرکزی - اتکاء بنا به فضاهای درونی جهت تأمین نور، پیش‌گیری از اشراف دیداری و شنیداری - اصالت فضای تهی در عبور و مرور انسان 	<ul style="list-style-type: none"> - تهی از حقیقت شدن همه چیز جز خدا و بازگشت هر حقیقت به خدا (معرفت توحید) - جهت نگاه انسان به هویت درونی و باز شدن چشم به جهان درونی و کمال (معرفت فطری) - رمز و رموز مظهر اسمی از اسماء الله و تمثیلی برای ایجاد فضای روحانی (تجلی پروردگار در عالم) - تقوی و کرامت انسانی شرط بهره‌مندی از هدایت الهی (تقوی- درون‌گرایی) 	<p>۱. گرایش به حقیقت‌جویی و رسیدن به کمال</p>
<ul style="list-style-type: none"> • نظم (حد و اندازه) - سلسله‌مراتب دسترسی‌ها، انتظام فضایی کالبدی- در ابعاد و اندازه‌ها وسعت و جمعیت محلات- تناسب و ترکیبات مطلوب، نظم فضای باز و بسته • تعادل (حد و اندازه) - تناسب و همخوانی جمعیت با توان طبیعت- توسعه کالبدی بناها با اتکاء به مصالح طبیعی- همزیستی افراد فقیر و غنی- تعادل کل بنا و اجزاء آن‌ها با محیط پیرامون- تکمیل طبیعت با شهر- ایجاد فضای آرامش‌دهنده و ایستای- نیکی و احترام و رعایت حقوق همسایگان • امنیت - توجه به نحوه ارتباط شهر با پیرامون و مرکز شهر و چینش عناصر تشکیل‌دهنده شهر 	<ul style="list-style-type: none"> - براساس گرایش‌های فردی و اجتماعی قرار دادن هر چیز در جای خود (عدل) - هرچیز براساس حساب و کتاب بر پایه نظم، تعادل، توازن، حد و اندازه - شهر عدالت‌محور شهر آرامش‌بخش و فاقد هرج و مرج، شهر احسان و نیکی - شهر خیر و فضیلت، شهر امن و امان 	<p>۲. گرایش به خیر و فضیلت</p>
<ul style="list-style-type: none"> • زیبایی جامعه - حرمت همسایه، رعایت حقوق همسایگان- صله‌رحم- اهمیت روابط اجتماعی • هندسه - اشکال مربع و دایره و منظم یکسان با طرح‌ها، خطوط و تناسبات و مفاهیم مختلف دارای تازگی و طراوت و تنوع • نور و رنگ و شفافیت - درجات مختلف نورانیت و تابش از جهات مختلف به عنوان نماد و نشانه، رمز و مثال حقیقی وجود- رنگ عامل هماهنگی و نمایش ارزش‌های مطلوب- نور و رنگ با ترکیب هندسه عامل آرامش و اطمینان درونی- شفافیت با کاهش جرم و توده ساختمان با افزایش فضای خالی در ترکیب با نور و رنگ عامل تنوع، به کارگیری نشانه‌های شهری- بازی نور سایه- بهره‌گیری از عناصر طبیعی و نمادین 	<ul style="list-style-type: none"> - زیبایی دوستی و زیبایی‌آفرینی از نظر انسان و طریقی برای دریافت کمال. زیبایی عامل تغییر رفتار آبادی شهر و افزایش عمر - عامل تقویت معنای نهفته در هر کالبد و ایجاد هر قالب برای محتوا و تأثیرگذاری بیش‌تر 	<p>۳. گرایش به جمال و زیبایی</p>

<p>• هدایت</p> <p>- هدایت به سمت تعالی معنوی، وحدت جامعه، نیکی و احسان، اعتدال و میانه‌روی. علائم و نشانه‌های متناسب- بهره‌گیری از سمبل‌ها- ایجاد فضای ساده- مقیاس معقول- جهت‌گیری اصلاح</p> <p>• ترکیب معنوی آب و گل و گیاه با آسمان- جهت‌گیری ابنیه در جهت بهره‌برداری از عوامل طبیعی- مصالح قابل بازیافت- ابداع عناصر چون بادگیر برای استفاده از عوامل طبیعی- عدم آلودگی آب و استفاده حداکثری از آن</p> <p>• عبرت</p> <p>- استفاده از عناصر گذشته- گزینش و انتخاب نکات مثبت عناصر گذشته- پیش‌رفت و ارتقاء عناصر گذشته</p>	<p>انسان تجلی صفات خداوند و جانشین او در زمین</p> <p>- زمینه خودسازی و خودشناسی انسان توسط آثار انسان با هدایت، اصلاح و عبرت</p> <p>- نمایش مسیر الهی و عدم انحراف از فلاح (هدایت)</p> <p>- خدمت به انسان، رشد کرامت و زمینه معنوی و کسب هدف حیات (اصلاح)</p> <p>- عاقبت گناهکاران و صالحان وسیله‌ای برای تعالی و کمال (عبرت)</p>	<p>۴. گرایش به خلاقیت و ابداع</p>
<p>- استفاده از اشکال و فرم‌ها و عناصر شهری با تجلی معنا و مفهوم ازلی</p> <p>- اماکن مذهبی مرتفع‌ترین بناهای شهری</p> <p>- به کارگیری عناصر طبیعی در باغ‌سازی و قرار دادن شهر در دل باغ</p> <p>- ترکیب عناصر طبیعی، گیاهان و آب و تجلی بهشت آسمانی در زمین</p> <p>- توجه به طبیعت و عظمت الهی و بازتاب آن در تزئینات نقوش اسلیمی</p> <p>- عدم اسراف و زیان‌کاری</p> <p>- مرکزیت</p> <p>- بازار مرکز شهر و مرکز بازار مسجد و مرکز محلات مسجد محل-</p> <p>برقراری عدالت نسبی در استفاده از خدمات عمومی و دسترسی به مراکز خدماتی- القای جهت واحد با تعریف کالبد شهر در جهت قبله</p>	<p>- رابطه اعمال خالصانه و ستایشگرانه و سپاسگذارانه انسان با خدا (عبادت و عبودیت).</p> <p>- اعمال وسیله‌ای برای ثنا، تسبیح و شکر خدا (شکر).</p> <p>- بازتاب صفات الهی در آثار و اعمال، ذکر و یاد خدا با دیدن عظمت‌های الهی (ذکر).</p> <p>اطاعت و استعانت از محبوب با قرارگیری دل و جان و سیمای باطنی رو به محبوب (مرکزگرایی)</p>	<p>۵: گرایش به عشق و پرستش</p>

می‌کند. بر مبنای این تحقیق شهر ربانی در وجه کالبدی و محتوایی بر مبنای روحی معنوی و متأثر از دین نشأت گرفته است و جاری فضاهای آن ارتباط نزدیکی با فطرت انسان که ودیعه‌ای الهی، امری خدانشناس و مصون از تغییر و تبدیل است دارد. فطرت ویژگی ذاتی انسان همراه با آگاهی مبتنی بر تفکر است که صورت و سیرت شهر ربانی را پدید می‌آورد و شهر ربانی در شدت و قوت آن موثر است.

بر این اساس می‌توان بیان داشت که شهر اسلامی بر پایه جهان بینی اسلامی، باورها، اعتقادات و ساحت‌های وجودی انسان و اعتقاد به توحید، عدل و معاد در جهت تأمین و تقویت خصلت‌های پاک و زندگی ساز و نفی تضعیف خصلت‌های تباهی زا گام برمی‌دارد و با شناخت ابعاد وجودی و نیازهای واقعی انسان و شناسایی و بارور کردن آن‌ها زمینه شکوفایی زندگی معنوی و رشد کمالات انسان را فراهم

پی‌نوشت:

۱. مبنی بر نوع دید درباره‌ی انسان ایدئولوژی انسانی مانند ایدئولوژی اسلامی نوعی شناخت از انسان دارد که از آن به فطرت تعبیر می‌شود. زیرا انسان از نوعی شعور و وجدان نوعی برخوردار است که او را از حیوان متمایز می‌سازد (مطهری، ۵۷، ۱۳۹۱).
۲. فطرت برای اولین بار در قرآن مطرح شده است. «با همه وجودت به سوی این دین روی آور، و پابرجا و ثابت بر سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است باش (روم: ۳۰)».
۳. «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا»
۴. «قول الله عزوجل فی کتابه فطره الله التي فطر الناس عليها، قال فطرهم على التوحيد عند الميثاق و على معرفة و...»
۵. «قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ»
۶. «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»



۷. در آیه ۳۰ سوره روم «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ» حنیف به معنی میل یا عشق در سیمای باطنی انسان آمده که بر هاله‌ای از عشق، تمایل و توجه به خدا و دین، آفرینش یافته و وجه باطنی انسان بر اعتدال و طی نمودن راه راست و متمایل به حق استوار است. بدین معنی که چپ (کفر) و راست روی (شرک) بر خلاف فطرت انسان است و دلالت بر این حقیقت دارد که موضوع و موصوف آن کانون و مرکز این «وصف» است (شفیعی ۱۳۶۷، ۱۹). این آیه خیر از تمرکز در مسیر و جهت الهی دارد. او مرکز تمام توجهات و کانون همه‌ی عالم و اجزای آن و همه چیز متوجه و در مسیر اوست. «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (الأنفال: ۱۷)

منابع:

۱. بلخاری، حسن. ۱۳۸۸. *مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی*. تهران: انتشارات سوره مهر.
۲. بمانیان، محمدرضا. ۱۳۸۶. *رهیافت‌هایی در تبیین شاخص‌های معماری مسلمین*. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۳. جعفری، محمدتقی. ۱۳۹۲. *زیبایی و هنراز دیدگاه اسلام*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۴. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹ الف. *حکمت نظری و عملی در نهج‌البلاغه*. قم: مرکز نشر اسراء.
۵. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹ ب. *فطرت در آئینه قرآن*. *دوفصلنامه انسان پژوهی دینی* ۷ (۲۳): ۶-۲۸.
- ۶- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۰. *فطرت در قرآن*. قم: مرکز نشر اسراء.
۷. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۱ الف. *انتظار بشر از دین*. قم: مرکز نشر اسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۱ ب. *تفسیر موضوعی قرآن کریم- توحید در قرآن*. قم: مرکز نشر اسراء.
۹. چیتیک، ویلیام. ۱۳۸۲. *عوامل خیال: ابن عربی و مسئله اختلاف ادیان*. مترجم: قاسم کاکایی. تهران: هرمس، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
۱۰. خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۲. *انسان‌شناسی اسلامی*. قم: دفتر نشر معارف.
- ۱۱- دانش، جابر. ۱۳۸۹. *مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبد شهر اسلامی*. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی* ۱ (۱): ۱۵-۳۱.
۱۲. شفیعی، سید محمد. ۱۳۶۷. *پژوهشی پیرامون فطرت مذهبیه در انسان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. صارمی، حمیدرضا، و مسعود صارمی. ۱۳۹۰. *تحلیل جایگاه شهر و زیبایی در هنر اسلامی*. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی* ۴ (۴): ۱۰۱-۱۱۳.
۱۴. علی‌آبادی، محمد. ۱۳۹۱. *جایگاه عقل در مفهوم پایداری شهر (نگاهی دیگر به مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی)*. *دوفصلنامه معماری ایرانی* ۱ (۱): ۲۵-۳۷.
۱۵. فیروزان، مهدی. ۱۳۷۸. *هنر اسلامی به مثابه معرفت الهی- راز و رمز هنر دینی*. در *مقالات ارائه شده در اولین کنفرانس بین‌المللی هنر دینی تهران*. تهران: انتشارات سروش، مرکز مطالعات دینی.
۱۶. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی. بی‌تا. *تفسیر الصافی- ج ۴*. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۷. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی. بی‌تا. *علم‌الیقین فی اصول الدین- ج ۱*. قم: پندار.
۱۸. گرامی، غلامحسین. ۱۳۹۱. *انسان در اسلام*. قم: دفتر نشر معارف.
۱۹. قربانی، رحیم. ۱۳۹۱. *شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی- مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۰. مسائلی، صدیقه. ۱۳۸۸. *نقشه پنهان به مثابه دست‌آورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران*. *نشریه هنرهای زیبا* ۳۷ (۳۷): ۲۷-۳۸.

۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۲. *آموزش عقائد*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی - شرکت چاپ و نشر بین‌المللی.
۲۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۷. *فطرت*. قم: انتشارات صدرا.
۲۳. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۱ الف. *کلیات علوم انسانی (۲): کلام- عرفان- حکمت عملی*. قم: انتشارات صدرا.
۲۴. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۱ ب. *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (۱): انسان و ایمان*. قم: انتشارات صدرا.
۲۵. میثاقیان، غلامرضا. ۱۳۹۲. *جمال صورت و معنی*. تهران: آرمانشهر.
۲۶. نصر، سیدحسین. ۱۳۸۹. *هنر و معنویت اسلامی*. ترجمه‌ی رحیم قاسمیان. تهران: حکمت.
۲۷. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری، شرکت طرح و نشر پیام سیما.
۲۸. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۰. *مبانی نظری معماری*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
۲۹. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۷. *صفات شهر اسلامی در متون اسلامی*. نشریه هنرهای زیبا (۴،۵): ۴۷-۶۱.
۳۰. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۹. *صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم*. دو فصلنامه صحیفه مبین (۵): ۴-۴۰.
۳۱. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۹ الف. *تأملی در چیستی شهر اسلامی*. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی (۱): ۱-۱۷.
۳۲. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۹ ب. *تفکر توحیدی و سازمان فضایی شهر در تمدن اسلامی*. فصلنامه کتاب ماه هنر (۱۴۴): ۶۶-۷۹.
۳۳. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۱. *حس حضور، مطلوب‌ترین برآیند ارتباط انسان با محیط*. دو فصلنامه معماری ایرانی (۲): ۲۷-۴۶.
۳۴. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۲ الف. *تأملی در مبادی شهر اسلامی*. فصلنامه کتاب ماه هنر (۱۷۸): ۴-۱۵.
۳۵. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۲ ب. *تأملی در عوامل شکل‌دهنده شهر*. فصلنامه کتاب ماه هنر (۱۸۲): ۶۰-۷۱.
۳۶. نوحی، حمید. ۱۳۸۸. *تأملات در هنر و معماری*. تهران: انتشارات گنج هنر.

References:

1. Ali Abadi, Muhammad. 2012. Place of Intellect in the Concept of Sustainability of City (Another view of the Theoretical Fundamentals of Architecture and Urbanism). *Semi-Annually Journal of Iranian Architecture* (1): 25-37.
2. Bemanian, Muhammad Reza. 2007. *Results in Explaining the Parameters of Muslim Architecture*. Tehran: Organization of Municipalities and Rural.
3. Bolkhari, Hassan. 2009. *Spiritual Fundamentals of Islamic Art and Architecture*. Tehran: Soore Mehr Publications.
4. Chittick, William. 2003. *Imaginal Worlds: Ibn al-'Arabi and the Problem of Religious Diversity*. Translated by Ghasem Kakayee. Tehran: Hermes, International Centre for Dialogue among Civilizations.
5. Danesh, Jaber. 2010. Formayion Fundamentals and Physical Organization Principles of Islamic City. *Quarterly Journal of Studies on Iranian Islamic City* 1(1): 15-31.
6. Feiz Kashani, Muhammad Shah Morteza. No Date. *Elm al-Yaghin fi Osul al-din. Vol. 1*. Qom: Pendar.
7. Feiz Kashani, Muhammad Shah Morteza. No Date. *Tafsir al-Safi. Vol. 4*. Beirut: al-Aalami Institute.
8. Firuzan, Mahdi. 1997. Islamic art as Divine Knowledge- Secrets of Religious Art. In *Papers Presented at First International Conference of Religious Art in Tehran*. Tehran: Soroush Publications, Religious Studies Center.
9. Gerami, Gholam Hussein. 2013. *Human in Islam*. Qom: Maaref Publishing Office.
10. Ghorbani, Rahim. 2013. *Indicators of Islamic Architecture and Urbanism- Presidential Center of Strategic Studies*. Tehran: Shahid Beheshti University Printing and Publishing Center.

11. Jafari, Muhammad Taghi. 2013. *The Beauty and Art in Islamic View*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Allameh Jafari's Works.
12. Javadi Amoli, Abd allah. 2010a. *Theoretical and Practical Wisdom in Nahj al-Balagheh*. Qom: Esra Publishing Centre.
13. Javadi Amoli, Abd allah. 2010b. Nature in Quran. *Semi-Annually Journal of Religious Anthropology* 7(23): 6-28.
14. Javadi Amoli, Abd allah. 2011. *Nature in Quran*. Qom: Esra Publishing Center.
15. Javadi Amoli, Abd allah. 2012a. *Human Expectations from Religion*. Qom: Esra Publishing Centre.
16. Javadi Amoli, Abd allah. 2012b. *Thematic Commentary of Quran- Monotheism in Quran*. Qom: Esra Publishing Center.
17. Khosropanah, Abd al-Hussein. 2013. *Islamic Anthropology*. Qom: Maaref Publishing Office.
18. Masaeli, Sedighe. 2009. Hidden Plan, the Consequence of Religious Beliefs in Traditional Desert House of Iran. *Journal of Fine Arts* (37): 27-38.
19. Mesbah Yazdi, Muhammad Taghi. 2013. *Teaching Beliefs*. Tehran: Islamic Propagation Organization-International Publishing Company.
20. Misaghian, Gholamreza. 2013. *Beauty of Form and Meaning*. Tehran: Armanshahr.
21. Mutahhari, Morteza. 2008. *Nature*. Qom: Sadra Publications.
22. Mutahhari, Morteza. 2012 a. *General Humanities(2): Speech-Mysticism- Practical Wisdom*. Qom: Sadra Publications.
23. Mutahhari, Morteza. 2012 b. *Introduction to the Islamic World-View(1) Human and Faith*. Qom: Sadra Publications.
24. Naghizade, Muhammad. 1998. Qualifications of Islamic City in the Islamic texts. *Journal of Fine Arts* (4,5) :47-61.
25. Naghizade, Muhammad. 2000. Characteristics of the Islamic City In Holy Quran View. *Semi-Annually Journal of Sahife Mobin* (5): 4-40.
26. Naghizade, Muhammad. 2010a. A Reflection in the Essence of the Islamic City. *Quarterly Journal of Studies on Iranian Islamic City* 1(1): 1-17.
27. Naghizade, Muhammad. 2010b. Monotheistic Thought and Spatial Organization of the Islamic Civilization. *Quarterly Journal of Ketab Mah Honar* (144): 66-79.
28. Naghizade, Muhammad. 2012. Sense of Presence, the Most Desirable Outcome of Man's Relationship with the Environment. *Semi-Annually Journal of Iranian Architecture* (2): 27-46.
29. Naghizade, Muhammad. 2013a. Reflections on the Entrances of the Islamic City. *Quarterly Journal of Ketab Mah Honar* (178): 4-15.
30. Naghizade, Muhammad. 2013b. Reflections on the Parameters Creating the City. *Quarterly Journal of Ketab Mah Honar* (182): 60-71.
31. Nasr, Seyyed Hossein. 2010. *Islamic Art and Spirituality*. Translated by Rahim Ghasemian. Tehran: Hekmat.
32. Noghrehkar, Abd al-Hamid. 2008. *Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development, Urban Design and Architecture Office, Payam Sima Design and Publishing Corporation.
33. Noghrekar, Abd al-hamid. 2013. *Theoretical Fundamentals of Architecture*. Tehran: Payam Noor University Publications.
34. Nouhi, Hamid. 2009. *Reflections on Art and Architecture*. Tehran: Ganj-e Honar Publications.
35. Saremi, Hamid Reza, and M. Saremi. 2011. Analysis of City and Beauty Position in Islamic Art. *Quarterly Journal of Studies on Iranian Islamic City* (4): 101-113.
36. Shafie, Seyed Muhammad. 1988. *Research on Religious Nature of Human*. Qom: Islamic Publications Office.





intellect.

So what qualitative and quantitative characteristics of the human body define is the wisdom or knowledge of the truth. Wisdom is the branch of the divine inspiration of the hidden secret in nature and the human body that god has entrusted. Wisdom is divine messenger of God that is strong and rich source of Islam that has interactive relationship with nature and the law. The urban design based on intellectual foundations of Islam, the principles of Islamic life and its behavioral pattern. Human and rational behavior flows in any of its spaces. On the other hand, the fact-based wisdom know and must be guidance until it guides him, and guidance as to the person who created the universe and man and knows him, who his needs .he is aware of the higher interests. Establish his eternal life and gives him schedules. Meaning, principles influenced by trends indicate that most cases explained by man-made characteristics of Islam is based on understanding of man and his objectives do and do not and indexes in religious texts such as “ Quran “ which is at the top of them. Shariah principles based on reason and consequently natural human tendencies and trends in response to insight or knowledge and asks to come to the intellectual life of the human being is perfect. Criteria and indicators can be divided in five groups of orientation and mental demands of his innate tendency to reach the truth and perfection, goodness and virtue, beauty, creativity, innovation and love and worship and because it is a response to all his needs, these trends provide the background of his relaxation and confidence and since the nature is put in the man and we all accept the fact that God is the accepted wisdom of human thought. Each of the five branches of arguments based on the intended meaning is rooted in the principles, criteria and indicators proposed by the organization identifies the Islamic city. Because these components are rooted in the principles and concepts appropriate to the areas affected by natural and man shall enjoy the physical and social aspect. In this way the city is structured according to Islamic social and physical factors and indicators are formed, is the rational and intellectual city that as human nature which is divided in the form (appearance) and means (conscience) program of physical (body) and affers community.

Accordingly, we can say that Islamic city gaits on the worldview, belief, and human existence realm and by recognizing the existence realm and by recognizing the existence of real human needs and it's identification, it troop fields flourishing spiritual life and growth of human perfection. Based on this research, communion city in the physical aspect is originated based on the spiritual and influenced by religious.

The nature is inherent characteristics of human with knowledge-based thoughts that create form and communion morality and communion city is effective in its intensity and the effect.

Key words:Natural Tendencies, City of God, Social Component, Physical Indicators, Organization of the Islamic City



Recognition of Principles, Components and Natural Indicators of Islamic City With Social Physical Approach

• **Heidar Jahanbakhsh (Corresponding Author)***

Assistant Professor in College of Architecture,
Payamnoor University, Tehran, Iran

• **Ali Delzende****

. M.A in Architecture, A.B.A Institute of Higher Education,
Abyek, Qazvin, Iran

Received: 26/08/2014 Accepted: 30/11/2014

Abstract

City is consisted of a range of specific activities which are responsive to human needs. It deals with human's features, thoughts and approaches and struggles to achieve formation of the city depending on his world-view and insight. Degree of desirability and quality of the city relates to intellectual space that are prevailing on it. Islam as a human insight which is rooted from their worldview that have defunded the tenet for human life has defined principles for human's lifestyles which consists of absolute attributes of God, human's and intellectual origins. This subject directs human perfection to the attributes of God, because it is related to human nature and common property of humans. The organization of the Islamic city present components and indexes propound life and idealistic city components and index that is proportional to human nature differ with insight. Accordingly, the necessity of the research is achieving the principle of Islamic city and response to human needs for achieve perfection. This paper deals with attitudes, categories component and indicators Islamic city that is proportional to the common natural tendencies. On the one hand, the research is a cross-sectional one that processes with analysis and physical content and it is strategic nature of interpretive. On the other hand, by using (logical-analytical) reasoning, it begins description and presentation of instances Islamic city and index organization city. Based on the research data, principal of Islamic city is based on inherent characteristics of human and social body of city that describe five natural tendencies. The trends according to martyr Motahhari's opinion in book of nature consists of truth and achieve perfection, goodness and virtue, beauty, creativity and innovation and tendency to worship. This results for principles recognition.

Accordingly, what is the meaning and principles derived from five natural tendencies was argument based on the Islam. It comes from innate human that trends to truth and achieve to the knowledge of indigenous and monotheistic. Also, the piety, introspection and Unitarianism are influenced. The tendency to goodness and virtue, personal and social virtue and justice will prevail in the city. Beauty trends reinforce beautiful sense at the individual community and content physical level.

Creativity is an innate human tendency to feel that the Islam city of guidance, correction and makes lessons. Pure nature human in premier authority show trending to love and worship the qualities such as meditation, appreciation and centralism at the Islamic city. Meanings, principle influence by trends indicate that most cases be explained by characteristics of man- made, belief, values, realms of human existence and in other word, it is his worldwide. The root of all bad ones originated from ignorance and irrationality and the city that as worldview based on the human form, has higher status in comparison with what is free of thought and